


سخنی با خوانندگان

موقعیت طبقه کارگردر دهه های اخیر پیوسته روبه وخامت گذاشته است. سرمایه داری با سود جستن از بی تشکلی کارگران واز برکت تعدد تشکل های سرمایه داران طبقه کارگر را در فرودستی کامل قرارداده است. سرمایه داران فرادست از چنان موهبتی برخوردارند که لجام گسیخته هر روز بر فرودستی طبقه کارگری افزایند و عرصه را بر کارگران تنگ تر می کنند. سرمایه داران با بهره گیری از ابزارهایی از قبیل تشکل های طبقاتی خود، مانند احزاب ضد کارگری، اتحادیه کارفرمایان و تشکل های تحمیلی مانند خانه کارگر، انجمن ها و شوراهای اسلامی کار، رادیو تلویزیون، روزنامه، نشریات، اینترنت، ماهواره و غیره هر روز بر تعرض خود علیه منافع کارگران می افزایند. نظام سرمایه داری همچنین با تدوین قوانینی ضد کارگری، استخدام های رسمی را لغو و قراردادهای  وقت و سفید امضاء را جایگزین آن نموده است، ساعات کار را عملاً به ۱۲ ساعت افزایش داده است. ناامنی شغلی و آینده بی ثبات برای کارگران و خانواده هایشان رهاوردی ننگین است که سرمایه داری به ارمغان آورده است. بیمه و تأمین اجتماعی نیم بند کارگران، امکانات هر چند ناچیز بهداشتی و درمانی یکی بعد از دیگری پس گرفته می شود، آموزش و پرورش و آموزش عالی که قرار بود با استفاده از مالیات های کسر شده از دسترنج کارگران، رایگان باشد با خصوصی سازی آنها به مؤسساتی پول ساز و سوداگر تبدیل شده اند. به تعویق انداختن پرداخت دستمزد ماهانه کارگران به یک عرف رایج تبدیل شده است. بیکار سازی ها برارتنش ذخیره کار(بیکاران) می افزاید که این خود اهرمی برای کاهش دستمزد هاست.

نظام سرمایه داری می کوشد با این فجایعی که در جامعه به بار آورده است. با استفاده از ابزارهای تبلیغاتی فوق به کارگران القاء نماید که این وضعیت وخامت بار، ابدی و جاودانه است، ورهائی از این چنبره نکبت بار میسر نیست. اما طبقه کارگر در چند سال اخیر با افزایش اعتراضات و مبارزات خود علیه شرایط دهشت بار و تحمیل شده نشان داد که تن به وضعیت موجود نمی دهد.

افزایش اعتراضات پراکنده در سال های اخیر از یکسو مشروعیت تشکل های تحمیلی کارگری را از اذهان کارگران زدود. از سوی دیگر ضرورت ایجادتشکل های آزاد و سراسری کارگری را در دستور روز جنبش کارگری قرار داد. در این راستا عده ای از فعالین کارگری دوره جمع شدند و در ابتدا برای اعتراض به اعزام نمایندگان غیر کارگری به سازمان بین المللی کار (ILO) و لغو قراردادهای موقت طومار تهیه کردند. بنابه ضرورت های بیان شده « کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری » را بنیان نهادند و اولین بیانیه « کمیته پیگیری » را خطاب به وزارت کار و سازمان بین المللی کار صادر کردند. « کمیته پیگیری ... » در صدد ایجاد آن گونه تشکل های کارگری است که مستقل از کارفرما و دولت باشد. ما معتقدیم که جنبش خود به خودی طبقه کارگر زمانی می تواند به نفع کار مزدی بیانجامد که منجر به عنصر آگاهی باشد. همچنین « کمیته پیگیری ... » خود را بدیل احزاب نمی داند و تنها در قلمرو جنبش کارگری فعالیت می کند. حال « کمیته پیگیری ... » هر چند بسیار آرام ولی پیوسته در مسیر تشکل یابی کارگران فعالیت می کند و تلاش و کوشش دارد در امر ایجاد سازمان یابی کارگران گامی مثبت بردارد.

در شرایط کنونی، کارگران از هرگونه امکانات تبلیغی محروم بوده و نشریاتی که بتوانند از حقوق کارگران دفاع کنند امروزه به تعداد انگشتان یک دست هم نمی رسد. ما وظیفه خود می دانیم با انتشار بولتن اتحاد کارگری، از منافع طبقه کارگر دفاع کنیم، و در جهت حل

مشکلات بسیاری که گریبان کارگران را گرفته ، گامی کوچک برداریم. هرچند در مقایسه با هجمه تبلیغاتی سرمایه داران ، بردآن ناچیز است.

این بولتن متعلق به تک تک شما کارگران می باشد. از شما می خواهیم هرگونه گزارش از فعالیت های خود ، اعتراضات و مشکلات خود را برایمان بفرستید. همچنین مقالات، داستان و شعر ، برای این بولتن بفرستید که از دریافت آن خوشحال شده و اقدام به چاپ آن خواهیم کرد. این بولتن صدای شما و متعلق به همه کارگران است.

صندوق پستی ما در دسترس شماست کافی است مطالب خود را به صندوق پستی ۱۴۸۷- ۱۳۴۴۵ ارسال کنید.

«هیئت تحریره کمیته پی گیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری»

۱۳۴۴۵ – ۱۴۸۷

www.komiteyepgy.com
azaditashakol@yahoo.com

صندوق پستی :
آدرس سایت اینترنتی :
آدرس پست الکترونیکی :

اعتراض کارگری خبرنگار کمیته پیگیری ایجادتشکلهای آزاد کارگری به صورت مستمر

منتشر می شود.

در تکثیر و توزیع آن مارا یاری دهید.

چه باید کرد

فقر و بیکاری ، اعتیاد و فحشاء فلاکت و هزار مصیبت در جامعه سرمایه داری گریبان ما کارگران را گرفته، کمتر روزی است در روزنامه ها خبر از بیکار شدن تعدادی از ما ، یا نگرستن ماه ها حقوق ما کارگران درج نشده باشد . در جامعه ای زندگی می کنیم که هیچگونه امیدی به آینده شغلی مان نداریم و هر لحظه که کارفرما اراده کند ما را بیکار کرده و ما مجبوریم به خیل عظیم بیکاران بییوندم . جامعه ای که در آن شکاف عمیق بین فقر و ثروت، روز به روز بیشتر شده و ما کارگران مدام فقیرتر می شویم . در جامعه ای زندگی می کنیم که سرمایه داران برای خود ، تشکلهای مختلف داشته و پشت سر خود قوانین متعددی برای حفظ منافعشان دارند هر روز که می گذرد قوانین جدیدی به نفع خود وضع کرده و ما کارگران را هر چه بیشتر به فلاکت دچار می کنند .

ما کارگران برای گذران زندگی و سیر کردن شکم زن و بچه خود تنها دارائیمان نیروی کارمان است. نیروی بازوانمان ، که مانند هر کالای دیگر باید آنرا بفروشیم. هر چند همیشه ، قیمت این کالا که نیروی کارمان است . سرمایه داران چنان پرداختند که فقط بتوانیم با آن زنده بمانیم تا فردا دوباره برایشان کار کنیم . بی حقوقی اجتماعی هم از یکطرف ، همیشه گریبان ما کارگران را گرفته ، هر زمان مجبور شدیم ، برای دریافت حقوق اولیه خود که کمترین حقوق هر انسانی است ، اعتراض کنیم . مقابلش ضرب و شتم دیدیم ، زندان و بیکاری ... بیکاری که مثل بختک ، سایه به سر تک تک ما انداخته ، و ترس از آن ما را مجبور به هر کاری کرده است . چرا که پشت سر ما شکمهای خالی و سفره های بدون نان خانواده است.

تا کی باید شب و روز به قول معروف سگ دو بزیم . چند شیفت کار کنیم. و زیر فشار طاقت فرسای کار ، خورد و خمیر شویم. زمانی که بچه ها در خوابند به خانه برگردیم و هشتمان گروی نه مان باشد.

چه باید کرد؟ چگونه می توان جامعه ای فارغ از این مصائب ، جامعه ای که در آن حرمت انسان حفظ شود و دیگر بچه های ما کارگران مجبور نباشند برای کمک خرجی به خانواده ، با این سنین پایین ، درکارگاه ها و معادن کار کنند . همیشه رویا و آرزوهایشان کوچکترین امکانات باشد. چرا که در خانواده کارگری به دنیا آمده و نمی توانند مانند هم سن های خود به بازی و تفریح مشغول باشند . جامعه ای که در آن انسانها مجبور نباشند برای حل مشکلات زندگی شان به فروش اعضای بدن تن دهند.

چه باید کرد؟ آیا کسی یا کسانی می آیند و ما را از این فلاکت نجات می دهند؟

ما کارگران در این دنیای بی رحم سرمایه داری یاد گرفته ایم اگر خودمان کاری نکنیم کسی دلش به حال و روز ما نمی سوزد. ما در تجربه دیده ایم ، که از همان پیدایش نظام سرمایه داری همه جا کارگران با مبارزه متحد و متشکل خود توانسته اند برای احقاق حقوق خود تلاش کنند، و موفق شوند . ما چاره ای جز متشکل شدن و متحد شدن نداریم. در جامعه سرمایه داری هیچ قانونی هیچ ناجی به داد ما کارگران نمی رسد. روز به روز زیر بار فشار زندگی کرده هایمان خم می شود . ما چاره ای جز متشکل شدن در شکل های مستقل از کارفرما و دولت و هر نهاد وابسته به دولت نداریم . چرا که در تمام این سالها به عینه دیده ایم اگر مستقل نباشیم اگر متحد و یک پارچه برای حقوق حقه خود مبارزه نکنیم، فلاکت و مصائب گوناگون روز به روز بیشتر گریبان کارگران را خواهد گرفت. ما کارگران در سال ۵۷ تجربه کردیم و دیدیم که کارگران صنایع بزرگ مانند نفت ، گاز ، پتروشیمی و مس و فولاد ، کارخانه جات نساجی و سایر صنایع با تشکیل شوراهای خود و با اتحاد عمل چگونه قدرتمند

در عرصه جامعه ظاهر شده اند. ما کارگران به خوبی می دانیم، که قدرت اجتماعی ما کارگران در تعداد ، تشکل و اتحاد ماست. ما باید تلاش کنیم هر چه بیشتر در تشکل های مستقل متشکل شویم و با جذب کارگران غیر متشکل به صفوف خود و با آشنا شدن به حقوق خود هر چه متحدتر برای خواسته های خود مبارزه کنیم . در این سالها بنا به شرایط ما کارگران از داشتن تشکل های اجتماعی محروم بوده ایم. از سویی رقابتهای ناسالم، بین ما کارگران همیشه مانع اتحاد ما بوده است. باید تلاش کنیم در تشکل های مستقل متشکل شویم و با اتحاد عمل خود در پی ایجاد تشکل های اجتماعی کارگران گام برداریم .

امر ما کارگران یکی است برای رسیدن به آن متشکل و متحد شویم.

مهدی اسکندری

پیش بسوی ایجاد تشکلهای آزاد

سراسری کارگری

اعتراض کارگری خبرنامه کمیته پیگیری ایجادتشکلهای آزاد کارگری به صورت مستمر

منتشر می شود.

در تکثیر و توزیع آن مارا یاری دهید.

۱۴۸۷ – ۱۳۴۴۵

www.komiteyepgyiry.com

azaditashakol@yahoo.com

صندوق پستی :

آدرس سایت اینترنتی :

آدرس پست الکترونیکی :

متن کامل پیش نویس اصلاحیه قانون کار

پیش نویس اصلاحیه قانون کار به منظور کار، کارشناسی و رفع نواقص و کاستی های آن به تمامی دستگاههای زیر ربط مجموعه های کارگری ، کارفرمایی و کارشناسان ارائه شد تا پس از رفع نواقص و تصویب نهایی به اجرا گذاشته شود . در متن کامل پیش نویس اصلاحیه قانون کار آمده است ، به ماده ۷ قانون ۲- تبصره ۳ به شرح زیر اضافه می گردد . تبصره ۳ :

قراردادهای با بیش از ۳۰ روز باید بصورت کتبی و در فرم مخصوص که توسط وزارت کار و امور اجتماعی در چارچوب قوانین و مقررات تهیه و در اختیار طرفین قرار می گیرد باشد .

تبصره ۴ : کارفرمایان موظفند به کارگران با قرارداد موقت به نسبت مدت کارکرد مزایای قانونی پایان کار به مآخذ هر سال یک ماه آخرین مزد پرداخت نمایند . بنابر این گزارش بند ز به شرح زیر به ماده ۲۱ قانون کار اضافه می شود : ز : کاهش تولید و تغییرات ساختاری که در اثر شرایط اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی و لزوم تغییرات گسترده در فناوری با تأیید هیئتی مرکب از استاندار و رؤسای سازمانهای کار و آموزش فنی و حرفه ای و صنایع و معادن استان و یک نفر نماینده کارگران واحد و کارفرما و یا نماینده کارفرمای واحد مربوطه ماده ۲۷ و تبصره های آن به شرح زیر تغییر می یابد : هر گاه کارگر در انجام وظایف قصور ورزد و یا آئین نامه های انضباطی کارگاهها را نقص نماید کارفرما می تواند پس از ابلاغ حداقل دو بار تذکر کتبی و فاصله میان آنها کمتر از ۱۵ روز نباشد با جایگزین نمودن کارگر جدید و پرداخت مطالبات و حقوق معوقه و همچنین پرداخت سنوات به نسبت هر سال سابقه معادل به یک ماه آخرین حقوق یک کارگر تحت نظارت واحد کار و امور اجتماعی محل نسبت به فسخ قرارداد اقدام نماید کارگر اخراجی ظرف یک هفته می تواند به مراجع مذکور در فصل حل اختلاف شکایت نماید و مراجع مذکور موظفند خارج از نوبت به شکایت رسیدگی نموده در صورتی که کارگر مقصر تشخیص داده نشود هیئت حل اختلاف می تواند با توجه به مدت

کار و میزان مزد و سن و عائله کارگر و سایر شرایط و اوضاع و احوال اضافه بر وجوه مذکور در فوق مبلغی که از جمع مزد دو ساله کارگر تجاوز نکند به عنوان خصارت تعیین نمایند کارفرما مخیر به پرداخت این خصارت به نسبت دو سوم به کارگر و یک سوم به صندوق بیمه بیکاری و یا بازگردانیدن کارگر به کار خواهد بود. رای هیئت مذکور قطعی و لازم الاجرا می باشد. این گزارش حاکی از: تبصره ۱ ماده ۲۷ قانون حذف و تبصره ۲ ماده ۲۷ قانون به عنوان تبصره ۱ عیناً منظور می گردد. در پیش نویس اصلاحیه قانون کار آمده است: عبارت زیر به آخر جمله تبصره ماده ۳۰ قانون اضافه می گردد وزارت کار و امور اجتماعی موظف است اساسنامه صندوق فوق که وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی می باشد و همچنین آیین نامه میزان دریافت حق بیمه بیکار و میزان مشارکت دولت در این خصوص و شرایط مدت و نحوه پرداخت حق بیمه بیکاری به کارگران موقت و دائم و نیروی کاری که بیشتر از یک سال است با داشتن کارت مهارت شغلی بیکاری می باشند را ظرف سه ماه تهیه و به تصویب هیئت وزیران برساند بند ۳ و ۴ به شرح زیر به ماده ۴۱ اضافه می گردد. ۳- حداقل مزد کارگران در قرارداد با مدت موقت حداقل ۱۰٪ از حداقل مزد تعیین شده توسط شورای عالی کار بیشتر خواهد بود و همچنین کارفرمایان مکلفند سنوات خدمت و مزایای پایان کار کارگر در قراردادهای موقت را بصورت ماهانه به حساب پس از انداز که به نام کارگر در یکی از شرکتها و یا صندوقهای بیمه و یا بانکها و یا موسسات اعتباری که از طرف وزارت کار و امور اجتماعی مجوز لازم اخذ نموده اند واریز نمایند ۴- مزد کارآموزان مشمول بند ب ماده ۱۱۲ این قانون ۳۰٪ کمتر از حداقل مزد تعیین شده توسط شورای عالی کار می باشد. دولت موظف است بخشی از مزد و حقوق بیمه حوادث را همه ساله در بودجه سنواتی منظور و توسط وزارت کار و امور اجتماعی پرداخت نماید عبارت (و از ۱۸ سال تمام بیشتر نباشد) از انتهای متن بند ب ماده ۱۱۲ قانون حذف می گردد ماده ۱۱۹ الحاقی مکرر به شرح زیر به

ماده ۱۱۹ و تبصره های آن اضافه می گردد ماده ۱۱۹ مکرر : به منظور تنظیم بازار کار و تعادل بخشیدن آن و ایجاد اشتغال فراگیر در همه بخشهای اقتصادی و ایجاد زیر ساختها و تجهیزات و برنامه های لازم و آموزش و توسعه کسب و کار و کار آفرینی و صدور مجوزهای لازم در امور کاریابی ، کارآفرینی و اشتغال و اعزام نیروی کار به خارج از کشور و جلوگیری از اشتغال غیر مجار اتباع خارجی در ایران و نظارت و هماهنگی و انسجام در سیاستها و اجرای برنامه ها و ایجاد بانک اطلاعات بازار کار سازمانی به نام سازمان اشتغال کار آفرینی وابسته به وزارت کار امور اجتماعی تشکیل می گردد .

اساسنامه سازمان فوق توسط وزارت کار . امور اجتماعی تهیه و ظرف سه ماه به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید این پیش نویس تصریح کرد : تبصره ۴ ماده ۱۳۱ قانون حذف می گردد . متن زیر به عنوان تبصره ماده ۱۹۱ قانون اضافه می شود . تبصره : تغییر درتعریف کارگاههای کوچک مشمول حکم ماده فوق از لحاظ تعداد کارگران و یا میزان سرمایه گذاری و گردش مالی سالانه با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی با پیش نهاد شورای عالی کار و تصویب وزیر کار و امور اجتماعی انجام خواهد شد (خبرگزاری فارس)

اعتراض کارگری خبرنامه کمیته پیگیری ایجادتشکلهای آزاد کارگری به صورت مستمر

منتشر می شود.

در تکثیر و توزیع آن مارا یاری دهید.

۱۴۸۷ - ۱۳۴۴۵

www.komiteyepygiry.com

azaditashakol@yahoo.com

صندوق پستی :

آدرس سایت اینترنتی :

آدرس پست الکترونیکی :

اصلاحیه قانون کار

« ارمغان فوق سود برای سرمایه داران است »

تقریباً پس از سال ۱۳۷۰ اصطلاح تعدیل نیرو، در سخنرانیهای مسئولین و بدنبال آن وزارت خانه ها، سازمانهای تصمیم گیرنده، پدیدار شد.

از آن پس این واژه در برنامه های مدیران کارخانه ها، تکرار گردید. و این واژه سرآغاز بیکار سازی وسیع کارگران شد.

این واژه خلق الساعه به ذهن آقایان خطور نکرد بدنبال بحران اقتصادی که در سالهای قبل از انقلاب شروع شده بود. و به موجب آن اعتراضات کارگران در عرصه انقلاب به اوج خود رسید. در عرصه انقلاب، به اوج خود رسید.

در دوره انقلابی سالهای ۱۳۵۶ الی ۱۳۶۰، که توازن قوا تا حدودی به نفع کارگران بود و اگر ادامه می یافت ارکان جامعه سرمایه داری به خطر می افتاد. اما از سال ۶۰ به بعد این عملکردها متوقف گردید.

از آن تاریخ به بعد، پس گیری، دستاوردهای دوران انقلابی از کارگران یکی پس از دیگری شروع شد. قبل از هر کاری، شورای واقعی که بدون دخالت کارفرمایان و دولت در کارخانجات و دیگر سازمانها پا گرفته بود. برچیده شد و نمایندگان واقعی کارگران از کار اخراج گردیدند.

سرمایه داری راه حل تخفیف بحران های اقتصادی و سیاسی خود را ناگزیر به پس زدن نیروهای انقلابی و نماینده واقعی کارگران و مردم می دید.

بالا بردن سود از طریق فشار کاری بر کارگران، امری است که در تئوری حاکمیت سرمایه داری از ابتدای پیدایش این نظام عملاً، اثبات شده است. افزایش بهره کشی از کارگران، ابتداءً با کاهش نیروی کار در عرصه تولید، شروع می شود.

از سوی دیگر پرداخت دستمزد کمتر درازای میزان تولید روزانه ، که موجب سود بیشتر برای سرمایه داری است، دنبال می شود .

بحران اقتصادی سرمایه داری با پایین رفتن نرخ سود سرمایه آغاز می شود .

موجب بروز، آن در جامعه که تورم ، گرانی، بیکاری ، کاهش قدرت خرید مردم نمود های آن است و بحران را مردم به عینه با تمام وجود لمس و احساس می کنند. اینجا، گره گاه امنیت و تداوم وجود سرمایه داری است که به خطر می افتد. نارضایتی عمومی و اعتراضات، بروز ابتدایی آن است. این وضعیت برای دولت سرمایه داری و سرمایه داران نه تنها خوش آیند نیست بلکه تهدیدی جدی برعلیه نظام سرمایه داری است .

پس دولت سرمایه باید دست به کار شود . برای تخفیف بحران و افزایش نرخ سود قوانین جدیدی را در جهت تشدید استثمار کارگران تدوین کند .

پس سود سرمایه به هر طریق باید افزایش یافته و تضمین گردد . که اصطلاح تعدیل نیرو اسم رمز سرمایه داران برای بیکار سازی و حمله به سطح معیشت طبقه کارگر است .

پس با کارگر کمتر ، همان میزان تولید روزانه باید انجام پذیرد. مثلاً درصنعت خودرو سازی اگر تولید یک خودرو تا دیروز با ۲۰ کارگر انجام می شد. از امروز باید با نیروی کار ۱۰ نفر کارگر انجام پذیرد.

دست یابی سرمایه داران به سود بیشتر در این امر خلاصه می شود . بنابراین تعدیل نیرو بخوان بیکارسازی کارگران در دستور کار سیاست سرمایه داران قرار گرفت . باز خریدهای از انفرادی یا جمعی کارگران درهمه جا رایج شد. و این امر را قبل از هر جا در صنعت خودرو سازی شاهد بودیم. کارخانه ایران خودرو قبل از سال ۱۳۷۰ گرفتار این وضعیت شد سپس کارخانه خاور، زامیاد،..... .

برآیند این کاهش نیرو، خالی از مخاطراتی برای دولت و سرمایه داران نبود. اعتراضات کارگری بدنبال «تعدیل نیرو» پاسخ کارگران بود.

بازخریدهایی که سعی می شد، در وحله اول با رضایت کارگران انجام پذیرد و با شگردهای خاص کارفرمایان در کارخانه ها پیش می رفت. دریک جا با کم کردن مواد اولیه و بیکاری های موضعی برای نشان دادن، اینکه «ممکن است اوضاع کارخانه بدتر شود». و یا عقب انداختن پرداخت دستمزدها، شیوه هایی بود که هر کارفرمایی فراخور فضای کارخانه، امر کاهش نیروی کار را دنبال می کرد.

اعتراضات وسیع کارگران، عرصه ای بود که دولت اگر با نیروی انتظامی نمی توانست به آن پاسخ دهد. دستگاه عریض و طویل خود را در جهت قانونمند کردن بیکارسازی ها و یورش به ثبات معیشت کارگران را به کار گرفت.

تغییردر قانون کار نیز به نوبه خود در این پروسه، برای بالابردن درصد سود بیشتر کارفرمایان که از ابتداء نیز توسط خودشان تنظیم و تدوین شده بود، را در پیش گرفت. خارج کردن کارگاههای کمتر از ۵ نفر و سپس ده نفر از شمول قانون کار سرآغاز تغییر قانون کار بود.

سالهاست که زمزمه اصلاح قانون کار دغدغه سیاست گذاران سرمایه داری شده است. واینک چند ماهی است که موج جدید تغییر قانون کار، در دستور کار قرار گرفته است. تداوم این پروسه تعدیل بحران اقتصادی ست. اصلاحیه قانون کار از اوایل مرداد ماه، سر تیترو روزنامه ها قرار گرفت. مبحث اصلی ما نیز همین است.

ازماده ۷ شروع می شود. «مبحث اول: تعریف قرار داد کار شرایط اساسی انعقاد آن»

«ماده ۷: قرارداد کار عبارت است از قرار داد کتبی یا شفاهی که به موجب آن کارگر در قبال دریافت حق السعی کاری را برای مدت موقت یا مدت غیره موقت برای کارفرما انجام می دهد.»

(لازم به توضیح است که جهت روشن شدن رابطه کارگر و کارفرما در مورد دستمزد به مقاله «سرمایه داری را بهتر بشناسیم» به صفحه ۷ مراجعه کنید.)

اصلاحیه قانون کار در مورد : ماده ۷ قانون ۲ تبصره ۳ به شرح زیر اضافه می شود:
تبصره ۳: « قراردادهای با بیش از ۳۰ روز باید به صورت کتبی و در فرم مخصوص که توسط وزارت کار و امور اجتماعی در چارچوب قوانین و مقررات تهیه و در اختیار طرفین قرار می گیرد باشد.»

این تبصره ، نقض صریح خود ماده ۷ می باشد.

زیرا که : مدت موقت یا مدت غیر موقت در ماده ۷ ذکر شده است ، اینک کمتر از ۳۰ روز را طی تبصره ۳ با هدف تائید و حمایت کارفرمایان از به کارگیری کارگران با برگه هایسفید امضاء را وجه ی قانونی بخشید .

تبصره ۳: « قراردادهای با بیش از ۳۰ روز باید به صورت کتبی»

قراردادها وقتی صورت قانونی به خود می گیرد که بیش از ۳۰ روز باشد. یعنی به کارگیری کارگر از سوی کارفرما اگر کمتر از ۳۰ روز باشد. از شمول قانون کار خارج می شود.

پس کارفرما این امکان را می یابد، قراردادی با استفاده این تبصره با کارگرانی که به کار می گیرد. منعقد نکند پر واضح است که کارفرما تا ۳۰ روز، یک سویه خود هرگونه که منافعش می طلبد با کارگر رفتار نماید. و کارگر نیز حق شکایت نداشته باشد زیرا قرار دادی در کار نیست و طبق این تبصره می گوید . کارفرمایان تا ۳۰ روز کار، هرگونه که خود صلاح می دانند ، مخیر هستند. رفتار کنند ، زیرا کارگر مشمول قانون کار نیست. این عین بردگی است .

در ماده ۸ قانون کار آمده است :

« شروط مذکور در قرارداد کار یا تغییرات بعدی آن در صورتی نافذ خواهد بود که برای کارگر مزایایی کمتر از امتیازات مقرر در این قانون منظور ننماید.»

ماهیت تبصره ۳ ماده ۷ هنگامی ایامتر می شود ، که منافع کارگری که تا ۳۰ روز به کار گمارده می شود ، کلاً از صورت مسئله پاک می شود. و ماده ۸ را نیز نقض می کند تبصره به لحاظ حقوقی اساساً نمی تواند ماده ای از قانون را نقض کند . علاوه بر این تبصره ۳ ماده ۷ از ماده ۸ قانون کار عدول می کند و از حداقل حقوق کارگری نیز کاسته می شود .

پس ، کارگرانی که کمتر از ۳۰ روز به کارگماشته می شوند . اساساً کارگر شناخته نمی شود و در واقع برده محسوب می گردد در نتیجه کارگری که بدون قرارداد به کار گرفته شود از کارفرما کاملاً سلب مسئولیت می گردد چنانچه اگر کارگری دچار حادثه شود چون از شمول قانون کار خارج است، از هر گونه بیمه نیز بی بهره می ماند . حادثه ، نقص عضو شدن تا مرگ کارگران را شامل می شود. چنانکه ما سالانه شاهد هزاران حادثه برای کارگران هستیم. همچنین از مزایای دیگر مانند سنوات خدمت ، سنوات بیمه تامین اجتماعی ، حق بهره وری ، عیدی و پاداش سالانه و دیگر مزایای ویژه زنان بهره مند نمی شوند . پس آنچه برای کارگر می ماند فقط دستمزد حداقل است و بس. اما برعکس برای کارفرما حذف کلیه هزینه های فوق سود مازادی است که اصلاحیه قانون کار برایش به ارمغان می آورد .

حال آنکه کارگر کسی است که نیروی کار خود را به کارفرما می فروشد. و در زمان عرضه نیروی کارش به کارفرما، باید تحت شمول کلیه ی حقوق و مزایای قانون کار باشد .

آیا این مدت ۳۰ روز، ابتدایی ترین حقوق مدنی شهروندان را به این روشنی نادیده نمی گیرد، و کتمان نمی کند؟

آیا حقوق انسانی باید در گرو زمانی معین باشد ؟ که به صراحت قانون می شود !!

نادیده گرفتن ابتدایی ترین حقوق انسانها ، خود به خود، نقض صریح و آشکار، و مغایر حقوق بشر و عقلانیت انسان امروزی است . تمامی این نقض حقوق انسان ، تنها به خاطر آن است که یک مشت سرمایه دار به منافع و سود بیشتری دست یابند.

عدم تمدید قراردادهای و قراردادهای سفید بدون زمان، شیوه ی رایج رفتار کارفرمایان با کارگران شده است.

در سالهای اخیر بیش از هزاران شکایت از سوی کارگران بر علیه کارفرمایان جهت قراردادهای سفید در اداره های کار به ثبت رسیده است .

تبصره ۳: دست کارفرمایان رابه راحتی بازمی گذارد تا کارگران را کمتر از یک ماه به کار وادارند . و هر گاه خودشان خواستند به کار خاتمه دهند، بدون اینکه کمترین مزایایی به کارگر تعلق بگیرد. اما شاخک کارفرمایان چنان حساس است که پیشاپیش خود شروع به تحمیل قراردادهای کمتر از یک ماه با کارگران را در دستور کارشان قرار دادند .

نمونه آن بسیار است. مانند پریس سنندج . ایران خودرو وایران مدل

البته در تبصره ۲ ماده ۷ آمده است « در صورتی که طبیعت کار آنها جنبه مستمر دارد و در صورتی که مدتی در قرارداد ذکر نشود قرارداد دائمی تلقی می شود.»
نقض آشکار دیگر در قانون کار آن است که :

ماهیت شغل های مستمر و غیر مستمر را به راحتی از قانون کار حذف کرده اند . شغل خودروسازی که سالها تداوم دارد. در زمره کارهای غیر مستمر قرار می گیرد.(گرفته است)؟! یا کارخانه های نساجی و به طور کلی واحد های صنعتی که برای تولید کالایی خاص تاسیس شده است .

کلیه کارخانه هایی که عدم تغییر ساختار تولید و داشتن ماهیت دائمی تولید را دارند، امری مسجل و پوشیده نیست. به تولید غیر مستمر تغییر می یابد . به کارگیری کارگران قرارداد موقت را امر قانونی و بدیهی قرار می دهد .

این گونه شغل ها که ماهیت دائم دارند. باید قراردادهای دسته جمعی و دائمی داشته باشند. گر چه تقسیم بندی تبعیض آمیز موجود در قانون کار بین کار مستمر و غیر مستمر برای ضایع کردن ، حقوق کارگران غیر مستمر تدوین شده است از نظر کارگران مورد قبول نیست .

در اصلاحیه قانون کار بند- ز به ماده ۲۱ قانون کار اضافه می شود :

« کاهش تولید و تغییرات ساختاری که در اثر شرایط اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی و لزوم تغییرات گسترده در فناوری با تأیید هیأتی مرکب از استاندار ، روسای سازمانهای کار و آموزش فنی و حرفه ای و صنایع استان و یک نفر نماینده کارگران واحد و کارفرما و یا نماینده کارفرمای واحد مربوطه .»

حالا اینکه در مبحث سوم قانون کار تحت عنوان خاتمه قرارداد کار آمده است :

مبحث سوم- خاتمه قرارداد کار

ماده ۲۲ قرارداد کار یکی از طرق زیر خاتمه می یابد

الف: فوت کارگر

ب: بازنشستگی کارگر

ج: از کار افتادگی کلی کارگر

د : انقضاء مدت در قراردادهای کار و با مدت موقت و عدم تجدید صریح یا ضمنی آن .

ه : پایان کار در قراردادهایی که مربوط به کار معین است

و : استئفای کارگر

بند- ز به این ماده ۲۱ اضافه شده است چرا؟

تغییرات در تولید، این نکته کلیدی معضل امروز کارگران ایران است. جابه جایی سرمایه از عرصه تولیدی به عرصه تولید دیگر. امری است که در ذات نظام سرمایه داری نهفته است. طبعاً

هرگاه سرمایه در تولید کالایی تحت هر شرایطی به سود مورد نظرش دست نیابد. به سراغ تولید کالایی دیگر می رود .

مانند، تولید نساجی ها، که بر حسب هر شرایطی دیگر مقرون به صرفه تولید و سودشان نیست. امروزصدها کارخانه نساجی در جهت تغییر ساختار تولیدی، کارگران خود را دسته ، دسته اخراج می کنند. شرایطی را در محیط کار برگردان کارگر تحمیل می نمایند که کارگران خسته می شوند. از شرایط غیر انسانی که برای کارگران ایجاد می کنند. کارگران آرزوی رهایی از این شرایط را دارند و به سوی باز خریدی پیش می روند.

در نتیجه ناخواسته شغل خود را از دست می دهند و بیکار می شوند. عرف چنین بوده است که در صورت عدم همکاری از سوی کارفرما، کارگر را باید راضی کند. تا به قرارداد خاتمه دهند. و این کار در دادگاه حل اختلاف توافق می شد. و کارگران با احتساب شرایط کاری و موقعیت اعتراض یا عدم اعتراض همکاری کارگران با یکدیگر تن به توافق می دهد توافق به این منوال بوده است که کارگران بیش از ۴۵ روز حقوق در سال را به عنوان سنوات خدمت دریافت می کردند و این ۴۵ روز بر حسب اتحاد کارگران به ۴ ماه، ۵ ماه هم رسیده بود.

استفاده از این تبصره در ماده ۲۱ به این معناست که توافق از بین می رود و اجبار قانونی پیش می آید . آن را به یک ماه تنزل داده اند . اختیار و تصمیم از کارگر که یک طرف قرارداد است ، را از وی سلب می نمایند و اختیار تام به کارفرما داده می شود .

بیکار سازی و تغییر در ساختار و تولید در شرایط امروز ایران شیوه رایج سرمایه داران شده است و یا از این حربه استفاده می شود ، تا کارگران را اخراج کنند . اینجاست که دولت، قانون را هر چه بیشتر در خدمت سرمایه داران تغییر می دهد . و به جای سنوات ۳ ماه در سال به طور میانگین به یک ماه در سال تقلیل می دهد . اینجا نیز سعی و تلاش شده است ، که لبه تیز

اعتراضات کارگری را که در پی بیکار سازی ها به بهانه تغییر ساختاری گسترش م یابد، کند سازند . و به آن وجه قانونی دهد .

حق تغییر ساختاری ، به وضوح و آشکار به کارفرما داده می شود. بی آنکه منافع کارگران مورد نظر قرار گیرد.

تأمین رفاه اجتماعی ، باید به خواسته فوری کارگران تبدیل گردد. در شرایطی که کارفرمایان به راحتی امنیت شغلی کارگران را به خطر می اندازند . و همان حداقل نان بخور و نمیر را نیز از کارگران می گیرند.

این کارگران نیستند که این نا امنی شغلی را موجب می شوند . بلکه کارفرمایان هستند و دولت مدافعانشان هستند، پس آنها باید، تاوان آن را پس دهند. دولت موظف است که از حقوق شهروند و حقوق مدنی کارگران دفاع نماید و بیکاری کارگران را به هر شکل و روشی جبران نمایند . این کار از طریق مقرر کردن تأمین رفاه اجتماعی کارگران ممکن است.

دولت موظف است تا زمانی که کار برای بیکاران تأمین کند. بیمه بیکاری را بپردازد باید یک زندگی آبرومند و شرافتمند در خور انسان را برای کارگران بیکار و بطور عموم، همه بیکاران تأمین نماید.

در ادامه اصلاحیه قانون کار ماده ۲۷ و تبصره های آن نیز به شرح زیر آمده است:

« هر گاه کارگر در انجام وظایف قصور ورزد و یا آئین نامه های انضباطی کارگاه را نقض نماید. کارفرما می تواند پس از ابلاغ حداقل دوبار تذکر کتبی که فاصله میان آنها کمتر از پانزده روز نباشد. با جایگزین نمودن کارگر جدید و پرداخت مطالبات و حقوق معوقه و همچنین پرداخت سنوات به نسبت هر سال سابقه معادل به یک ماه آخرین حقوق به کارگر ، تحت نظارت واحد کار و امور اجتماعی محل نسبت به فسخ قرارداد اقدام نماید

کارگر اخراجی ظرف یک هفته می تواند به مراجع مذکور در فصل حل اختلاف شکایت نماید
.....

..... کار فرما مخیر به پرداخت این خسارت به نسبت دوسوم به کارگر و یک سوم به صندوق بیمه بیکاری و یا بازگرداندن کارگر به کار خواهد بود .

در قانون ماده ۲۷ با حذف تبصره یک بدینگونه اصلاح شده است .

اولاً در تغییر خود ماده ۲۷ ، نماینده کارگران که در کمیته انضباطی حضور دارد. که باید با نظر مثبت شورای اسلامی باشد. تا کارفرما قادر به اخراج کارگر باشد.

حذف کمیته انضباطی در اصلاح ماده ۲۷

بازهم اختیار تام دادن به خود کارفرماست، که می تواند بدون نظر شورای اسلامی ، کارگر را اخراج نماید. برای سبک کردن و هموار کردن اخراج کارگران ، باید واسطه ها برچیده شود. هر چند که خود واسطه ها نیز نمایندگان واقعی کارگران نیستند. اما با برداشتن نظر شورای اسلامی، دست و بال کارفرما کاملاً باز می شود. و این شرایط دست و پاگیر، برای کارفرما نیز از سرراهش حذف می شود . تا کارفرما اختیاراتش سریع و روشن باشد.

حتی با وجود عناصر خودی هم دیگر ، مفید نیست. و به لحاظ حقوقی صرف هم که شده ، کارگر ، مدافعی به نام تشکیلات زردش را هم از دست می دهد .

حذف شورای اسلامی ، به مثابه نماینده کاریکاتوری کارگر را نیز از میان بر می دارد . دراصل ، حق داشتن نظر کارگران در کمیته انضباطی راهم براو روا نمی بینند.

راهی هموار برای اخراج کارگر ، برای کارفرما ایجاد می شود کارفرما یکسویه ، اسبش را می تازاند. دادن این حق به کارفرما حتی اصل سه جانبه گرایی مقابله نامه های سازمان ilo، «سازمان جهانی کارگران است.» که در جهان سرمایه داری متداول است را نقض می کند .

بنابراین تبصره ۱ قانون ماده ۲۷ نیز حذف می گردد . و نماینده دولت نیز از سر راه برداشته می شود و بازم دست وبال کارفرما کاملاً باز می گردد. تا کارگر را بدون دخالت دیگران وبا اختیار کامل خودش اخراج نماید.

به تبصره یک ماده ۲۷ نگاه می کنیم.

تبصره ۱: « کارگاه هایی که مشمول قانون شورای اسلامی کار نبوده (یعنی تعداد کارگران آن واحد زیر ۳۰ نفر باشد) و یا شورای اسلامی کار و یا انجمن صنفی در آن تشکیل نگردیده باشد یا فاقد نماینده کارگر باشند (تعداد زیر ۳۰ نفر، می توانند یک نماینده داشته باشند) اعلام نظر مثبت هیأت تشخیص (موضوع ماده ۱۵۸ این قانون) در فسخ قرارداد کار الزامی است .»

مشاهده می کنیم که هر گونه موانع دست و پا گیر ، که شاید حتی اگر یک درصد هم برای کارفرما ، مانع تراشی می نمود، حذف می شود.

در ادامه این اصلاحیه که خود به خوبی نمایانگر ، بیکارسازی های فراوان خواهد شد، را پیش بینی کرده است .

بنابراین این بیکارسازی ، با بیمه بیکاری نیز همساز می گردد و شانه دولت را نیز از پرداخت بیمه بیکاری به تمامی کارگران راخالی می کند. و بیمه بیکاری اختصاص به کارگران فنی می شود.

کوتاه ترین دیوار در این میان مثلث سه ضلعی ، تنها کارگر می باشد. در صورتی که اگر کارگران تنها یک دقیقه دست از کار بکشند تمام زندگی جامعه مختل خواهد شد.

نقش کارگر در تولید اجتماعی به ۹۰ درصد می رسد . اصلاحیه قانون کار تنها یک مزیت را برای کارگران به ارمغان می آورد . و آن هم پیکر لخت شده و عریان جامعه سرمایه داری کثیف را پیش از پیش بر کارگران و دیگر مردم ، نمایان کرد.

مجدداً به متن اصلاحیه قانون باز می گردیم.

ماده ۴۱: « حداقل مزد کارگران در قرارداد با مدت موقت حداقل ده درصد از حداقل مزد تعیین شده توسط شورای عالی کار بیشتر خواهد بود »

پیش نویس اصلاحیه در عضای این همه امتیازات که به کارفرما داده و خانی که برای او گسترده آب نبات چوبی ۱۰٪ را برای تتمیع کارگرن قراردادی هدیه داده است .
مجدداً به اصلاحیه قانون می پردازیم.

ماده ۴۱:

بند ۴ که به این ماده اضافه شده است : عبارت است از : « مزد کار آموزان مشمول بند ب ماده ۱۱۲ این قانون سی درصد کمتر از حداقل مزد تعیین شده توسط شورای عالی کار می باشد. دولت موظف است بخشی از مزد و حقوق بیمه حوادث را همه ساله در بودجه سنواتی منظور و توسط وزارت کار و امور اجتماعی پرداخت نماید.» عبارت (از ۱۸ سال تمام بیشتر نباشد)
این بند اضافه شده به ماده ۴۱, نیز کاهش حقوق کارگرانی را که برای کارآموزی به کار گمارده می شوند. شامل می شود. که سی درصد حقوق آنها کمتر از حداقل حقوق تعیین شده سالانه می باشد.

این بند نیز آشکارا بخشی از کارگران جوانی که برحسب نیاز خود کارفرما کارآموزی گمارده می شوند , کاهش می دهد , چرا؟

اساساً کارآموزی نیاز بخش های تولیدی, کارفرمایان و سرمایه داران است کارگر به کار گرفته شده را به کارآموزی وامی دارند, تا مهارت لازم را برای انجام کار تولیدی کارفرما, فرا گیرند. پس کارگر برای کسب آموزش به کارفرما مراجعه نکرده است. بلکه نیاز کارفرما به نیروی متخصص است که کارگری را برای آموزش در نظر می گیرد و با وی قرارداد می بندند .

پس چرا باید , حقوق کارگر کاهش یابد. مگر کسب مهارت و تجربه و آموزش شبه انتخاب کارگر و صرفاً طبق اراده و میل وی است ! از این رو هزینه کارآموزی نباید به کارگر تحمیل شود اما می

بینیم که اینجا نیز مانند مواد دیگر اصلاحیه قانون کار، منافع کارگران را نشانه رفته است، کاهش حقوق کارگر افزایش سود کارفرماست. که به بهانه دوران آموزش، کارگر باید تاوان آن را پس بدهد. و در ادامه به بند ب ماده ۱۱۲ می رسد.

بند ب، ماده ۱۱۲: افرادی که به موجب قرار داد کارآموزی به منظور فرا گرفتن حرفه ای خاص برای مدت معین که زاید بر سه سال نباشد، در کارگاهی معین به کارآموزی توأم با کار اشتغال دارند.

« مشروط بر آنکه سن آنها از ۱۵ سال کمتر نبوده و از ۱۸ سال تمام بیشتر نباشد». اصلاح این بند، چنین آمده که عبارت « و از ۱۸ سال تمام بیشتر نباشد » از بند فوق حذف می شود.

اینجا مقطع سنی را مورد نظر دارد. یعنی اگر کارگری با سن بالا که مشغول به کار است برای مدت بیش از ۳ سال نباشد. کارفرما این کارگر را به آموزش حرفه ای مأمور می کند و یابیه کار می گیرد. این سن نباید از ۱۸ سال بیشتر باشد » را حذف می کند.

پیش نویس از آن رو این محدودیت سنی کارآموزی برای کارگر تعیین می نماید، را بر کارفرما هموار می سازد، تا تعهدات کارفرما را در این زمینه هر چه بیشتر کاهش دهد. اما نکته بسیار مهمتر در بند ب ماده ۱۱۲، مبنای پایه سنی به کارگیری کارگر را ۱۵ سال قرارداده بود. حال این که سن ۱۵ سال سن برای به کارگیری کارگر، زیر سن قانونی مقابله نامه های سازمان حمایت از حقوق کودکان (یونیسف) است. که کار کودک را ممنوع اعلام کرده است و در قانون اساسی نیز کار کودک منع قانونی دارد. اما به صراحت و روشنی از به کارگیری کودکان ابایی ندارد.

اینجا استثمار مضاعفی بر انسانهای کوچک را قانونی کرده است. ابتداء به ساکن این بند، به کارفرما اجازه می دهد که از کار کودکان استفاده کند!!؟

انسانها در این سن نباید کار کنند. بلکه حقوق انسانی آنها ایجاب می کند که در این سنین به آموزش و تحصیل و شادی و بازی بپردازد نه اینکه به عنوان یک انسان کوچک به کار گرفته شود و از دستمزد نصفه، نیمه ای هم برخوردار باشد. به صرف اینکه بزرگسال نیست.

در بسیاری از کارگاهها و کارخانه ها استفاده از کار کودکان شیوه رایج است. وبه وضوح و روشنی از حداقل دستمزد نیز برخوردار نیست. تصاحب سود بیشتر برای کارفرما، امری مهمتر از حقوق انسانی کودکان برشمرده شده است. اساساً خود این ماده و بند به ذاته و محتوا، قانونی نه تنها ضد انسانی است، بلکه دست درازی و نقض صریح به حقوق انسانی کودکان است.

به متن اصلاحیه باز می گردیم. در ادامه اصلاحیه تبصره ۴ ماده ۱۳۱ قانون کار حذف می گردد. تبصره ۴ ماده ۱۳۱ چنین است: «کارگران یک واحد، فقط می توانند یکی از سه مورد شورای اسلامی کار، انجمن صنفی یا نماینده کارگران را داشته باشند.»

اولاً این تبصره، مغایر با فصل ششم قانون کار است. و در این ماده تا ماده ۱۳۷ حذف شده است و در این چندین مواد تعاونی مصرف، تعاونی مسکن، کانون بازنشستگان نیز در اصلاحیه حذف گردیده است.

بیش از ۲۵ سال است که از تشکیل شوراهای اسلامی کار می گذرد. ماهیت این شوراهای بر هیچ کارگری پوشیده

نیست و موج روی گردانی از آن در واحدها و دیگر واحدهای تولیدی هر روز، روبه فزونی است. و در مقابل آن تشکل های آزاد کارگری دیگر، در میان کارگران مطرح گردیده است. و می رود تا خود کارگران برای ایجاد، تشکل های آزاد کارگری همت بگمارند. که این اصلاحیه سعی کرده، آبرومندانه با زیرکی زمینه حذف شوراهای اسلامی کار یا کم رنگ کردن آن را فراهم سازد.

پیشنویس می کوشد با بهره گیری از رویگردانی کارگران از شوراهای اسلامی کار بی اعتبار شده زمینه ایجادتشکل های آزاد کارگری را از بین ببرد لذا انجمن صنفی و نماینده کارگر دم می زند

ولی از حق ایجاد تشکل آزاد کارگری مستقل از دولت و کارفرما که طبق مقوله نامه های سازمان جهانی کار دولت آن را پذیرفته است ، صحبت به میان نمی آید .

همچنین در انتهای اصلاحیه آمده است :

تبصره ماده ۱۹۱ قانون کار اضافه می شود:

« تبصره : تغییر درتعریف کارگاههای کوچک مشمول حکم ماده فوق از لحاظ تعداد کارگران و یامیزان سرمایه گذاری و گردش مالی سالانه با توجه به شرایط اقتصادی واجتماعی با پیشنهاد شورای عالی کار و تصویب وزیر کار و امور اجتماعی انجام خواهد شد.» باز گذاشتن مبحث خروج کارگاههای با نفرات کمتر ، ابتداء از ۵ نفر و سپس ۱۰ نفره، از چند سال پیش آغاز شد. واینک برآن تأکید گردیده است و آن را به مواد قانونی تبدیل کرده اند. با این تبصره باید منتظر آن باشیم که این تعداد نفرات به ۲۰ نفره هم برسد و شاید بازهم بیشتر شود. تعداد این کارگاهها بسیارند و برخلاف تصور کم و در حاشیه نیستند .

هزاران کارگر در این کارگاهها اشتغال دارند . و خارج کردن این هزاران کارگر از شمول قانون کار، تحمیل بی حقوقی کامل به کارگرانی است که تحت این قانون از مزایایی خارج می شوند . کارگران در این بازار آشفته کاری به حال خود رها می شوند و کارفرمایان اختیارات کاملی را بر رفتار خود نسبت به تضييع هر چه بیشتر کارگران بدست می آورند . کارگران تولید کنندگان تکنولوژی هستند که عصر انقلاب تکنولوژی و ارتباطات را به وجود آوردند . اینک به پایین ترین حد بی حقوقی تنزل می یابند اصلاحیه قانون کار کارفرمایان و سرمایه داران را از تمامی قید و بندهای قانونی رها می سازد و کارگران را تحت هر شرایطی به برده گی وا می دارند. تشدید استثمار جزء اولین سیاست های نظام سرمایه داری است

این اصلاحیه هر چند که این روزها از سر تیترا خبرها کنار رفته است . اما دولت هر آن که شرایط را مناسب

و مساعد ببیند، از تصویب آن خودداری نخواهد کرد. این شرایط را اعتراضات وسیع کارگران رقم می زند .

آیت نیافر

عضو شورای نمایندگان و سخنگوی کمیته پی گیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری

پیش بسوی ایجاد تشکلهای آزاد

سراسری کارگری

اعتراض کارگری خبرنامه کمیته پیگیری ایجادتشکلهای آزاد کارگری به صورت مستمر

منتشر می شود.

در تکثیر و توزیع آن مارا یاری دهید.

۱۳۴۴۵ – ۱۴۸۷

www.komiteyepygiry.com

azaditashakol@yahoo.com

صندوق پستی :

آدرس سایت اینترنتی :

آدرس پست الکترونیکی :

سرمایه داری را بهتر بشناسیم

از مهم ترین سوالاتی که در ذهن همه کارگران ایجاد می شود ، این است که دستمزد چیست؟ و مبلغ آن چگونه تعیین می شود؟ چرا با این مبلغ تعیین شده نمی توانند نیازهای اساسی خود و خانواده شان را تأمین نمایند و دررفاه زندگی کنند؟ سود چیست و چگونه بوجود می آید؟ چرا کارگر هر چقدر کار می کند ، جز نان بخور و نمیر نصیبش نمی شود . و درمقابل سرمایه، به طور وحشتناکی رشد می کند . و هر چه سرمایه انباشته تر و بزرگتر می شوند ، فقر و گرسنگی و بدبختی و بیکاری کارگران افزایش می یابد. چرا کارخانجات تعطیل شده و کارگران بیکار می شوند. مگر به تولید این کارخانجات نیاز نیست . چرا سالیانه میلیونها تن گندم و محصولات کشاورزی نابود می شوند. تا قیمت آنها در بازار تنزل نکند، و به سود سرمایه لطمه ای وارد نشود. مگر به این محصولات کشاورزی بشر احتیاج ندارد.

چرا با وجود حداقل ۵۰۰ میلیارد دلار هزینه سالیانه بودجه نظامی آمریکا ، که می تواند کل انسانهای کره زمین را سیر کند، در هر چند ثانیه کودکی از فقر و فلاکت و بیماری های قابل علاج از بین می رود.

چرا ثروت کل بشر که قادر است ۷ الی ۸ برابر کل انسانهای کره زمین را سیر کرده و رفاه و آسایش را برای بشر به ارمغان بیاورد. جز به بحران اقتصادی و فقر و فلاکت بشر نمی انجامد. کدام قوانین کوری بر روابط تولیدی دنیای ما حاکم است که باعث وبانی قربانی شدن زندگی اکثریت مردم است.

آیا وجود این شرایط غیرانسانی اجتناب ناپذیر است. آیا سرمایه داری همیشه بوده است. آیا رابطه برده با برده دار و یا رعیت با ارباب همان رابطه کارمزدی با سرمایه است. آیا روزگار تابوده، همین بوده و همینطور خواهد ماند.

وسوالات دیگری که در این سلسله مقالات تلاش می کنیم تا به آن بپردازیم.

ودراین راه از مقالات و نوشته های اندیشمندان و متفکران بزرگ طبقه کارگران سود خواهیم جست.

در شروع کار بخشی از کتاب کار دستمزدی و سرمایه , کارل مارکس راکه حاوی یک سلسله از کنفرانس ها برای کارگرهاست خواهیم آورد. در این کنفرانسها مارکس به زبانی ساده و درعین حال دقیق از مقولات اساسی درباره تأیین دستمزد , ماهیت سرمایه, ارزش و قیمت کالاها و همچنین رابطه بین سرمایه و کارمزدوری را در جامعه جدید توضیح داده است. با اینکه این نوشته بیش از ۱۵۰ سال پیش نوشته شده است . به هر حال در برابر گذشت زمان مقاومت کرده . و هنوز نمونه ای از تحلیل علمی جامعه سرمایه داری است که درعین حال سادگی و شیوایی را از دست نداده است.

ص ۲۷ کتاب کارمزدوری و سرمایه داری پاراگراف دوم

مهران ایمن پور

اعتراض کارگری خبرنامه کمیته پیگیری ایجادتشکلهای آزاد کارگری به صورت مستمر

منتشر می شود.

در تکثیر و توزیع آن مارا یاری دهید.

۱۴۸۷ – ۱۳۴۴۵

www.komiteyepygiry.com

azaditashakol@yahoo.com

صندوق پستی :

آدرس سایت اینترنتی :

آدرس پست الکترونیکی :

کار دستمزدی و سرمایه

حال می پردازیم به مسئله اول : دست مزد چیست؟ چگونه تعیین می شود؟

اگر از کارگران بپرسیم : « میزان دستمزد شما چه مبلغ است؟ » یک جواب خواهد داد: « من روزانه یک مارک از صاحب کارم دریافت می کنم. » و دیگری خواهد گفت : « من دو مارک می گیرم. » و غیره. آنها برحسب اینکه به کدام رشته های مختلف کار تعلق دارند، رقم های مختلفی را بازگو خواهند کرد که به ازاء انجام یک کار معین از صاحب کاران مربوطه خود دریافت می کنند. مثلاً بافتن یک ذرع کتان و یا حروف چینی یک صفحه . علی رغم تفاوت پاسخ ها ، همگی آنها در یک نقطه مشترک اند: و آن اینکه دستمزد برابر با مبلغ پولی است که صاحب کار در مقابل زمانی معین از کار و یا انجام کار معینی می پردازد.

بنابراین سرمایه دار ظاهراً کار آنها را با پول می خرد و اینان برای پول کار خود رابه او می فروشند. ولی این فقط ظاهر قضیه است. آنچه که آنها در واقع به خاطر مبلغی پول به سرمایه دار می فروشند نیروی کارشان است. [۱]

سرمایه دار این نیروی کار را برای یک روز، یک هفته ، یک ماه و می خرد. اوبعد از اینکه این نیروی کار را خرید ، آنرا از طریق به کارواداشتن کارگران به مدت مقرر به مصرف می رساند. باهمان پولی که سرمایه دار نیروی کار آنها را خریده است ، مثلاً با دو مارک، می توانست دولیوژ [هر لیوژ برابر است با ۵۰۰ گرم-م] شکر و یا یک مقدار معین از هر کالای دیگری را خریداری کند. دو مارکی که به وسیله آن استفاده از نیروی کار برای دوازده ساعت خریده [شده]، قیمت دوازده ساعت کار است. بنابراین نیروی کار یک کالاست، کاملاً مانند شکر، اولی با ساعت اندازه گیری می شود و دومی با ترازو.

کارگران کالای خود یعنی نیروی کار [شان] را با کالای سرمایه دار یعنی پول مبادله می کنند و این برحسب رابطه ای معین انجام می گیرد. مقدار معینی پول به ازاء مقدار معینی زمان استفاده از نیروی کار. مثلاً ۲ مارک به ازاء دوازده ساعت بافندگی. ولی آیا این دو مارک معرف کلیه کالاهای دیگری که می توان با دوماارک خریداری کرد، نیستند؟ بنابراین کارگر درواقع یک کالا یعنی نیروی کار را در برابر انواع کالاهای دیگر و برحسب رابطه ای معین، مبادله کرده است. سرمایه دار با دادن دو مارک به کارگر در واقع در مقابل یک روز کارش به او مقداری گوشت، مقداری لباس، مقداری هیزم و مقداری روشنائی و ... داده است. دوماارک در واقع معرف رابطه ای است که بر حسب آن نیروی کار با کالای دیگر مبادله می شود، یعنی ارزش مبادله نیروی کار. ارزش مبادله یک کالا که به پول محاسبه شود، همان قیمت کالا است. بنابراین دستمزد چیز دیگری به جز نام ویژه ای که به قیمت نیروی کار داده می شود، نیست. واگر بر حسب عادت قیمت کار نامیده می شود، غیر از نام خاصی که به قیمت این کالای خاص داده می شود، نیست؛ کالای خاصی که تنها در گوشت و خون انسان وجود دارد.

حال به عنوان مثال یک کارگر بافنده را در نظر می گیریم. سرمایه دار به او چهارچوب بافندگی و نخ می دهد. بافنده هم شروع به کار می کند و نخ به پارچه تبدیل می شود. سرمایه دار پارچه را تصاحب می کند و فرض می کنیم آنرا به بیست مارک می فروشد. آیا دستمزد بافنده قسمتی از پارچه یعنی قسمتی از بیست مارک محصول کارش است؟ خیر، اصلاً و ابداً. بافنده مزد خود را خیلی پیش تر از آنکه پارچه به فروش برسد، شاید هم خیلی پیش تر از آنکه پارچه بافته شده باشد، دریافت داشته است. بنابراین سرمایه دار مزد را با پولی که از پارچه به دست می آورد، نمی پردازد؛ بلکه با پولی که از قبل موجود است، پرداخت می کند.

همانطوری که چهار چوب پارچه بافی ونخ محصول بافنده نیستند وبه وسیله سرمایه دار در اختیار او گذاشته می شوند , همینطور هم کالاهائی [گوشت,لباس و....-م] که درازای کالای خودش یعنی نیروی کار دریافت می کند, توسط او تولید نشده اند. ممکن است که سرمایه دار هیچ خریداری برای پارچه اش پیدا نکند. ممکن است که او پارچه را به نحو پرمفعتی درمقایسه بادستمزدی که به بافنده داده است به فروش برساند. کلیه این مسائل ربطی به کارگر بافنده ندارد, سرمایه دار با قسمتی از ثروت اولیه خود , یعنی با قسمتی از سرمایه خود , نیروی کار بافنده را می خرد؛ همانطور که باقسمت دیگری از ثروت خود مواد اولیه مانند نخ, وسائل کار یعنی چهارچوب بافندگی را خریده است. بعد از اینکه این خریدها را انجام داد (که شامل خریدن نیروی کار لازم برای تولید پارچه نیز می شود) وی تنها با مواد اولیه و وسائل کاری که متعلق به او هستند, به تولید می پردازد. و طبیعتاً وسائل کار شامل بافنده مانیز هست و سهمیم شدن او در محصول یا در قیمت آن بیشتر از سهمیم شدن چهارچوب بافندگی در آنها نیست.

بنابراین دستمزد [حاصل] شرکت کارگر در کالائی که خودش تولید کرده نیست. [بدین معنی که] دستمزد آن قسمت از محصول است که از قبل وجود داشته و به وسیله آن سرمایه دار مقدار معینی از نیروی کار را خریده است. [۲]

بنابراین نیروی کار یک کالا است که صاحب آن یعنی مزدبگیر به سرمایه دار می فروشد . چرا می فروشد؟ برای اینکه زندگی کند. اما به کاربردن نیروی کار, فعالیت حیاتی ,ویژه کارگر و تجلی زندگی اوست. او این فعالیت حیاتی را به شخص دیگری می فروشد تا وسائل لازم معیشتی را برای خویش تأمین کند. بنابراین برای کارگر فعالیت حیاتی اش تنها به منزله وسیله ای برای زیستن است .

او کار می کند تا زندگی کند. او کار را به عنوان بخشی از حیات خود به حساب نمی آورد و در زندگی، او بیشتر در حکم یک قربانی است. کار او کالائی است که وی به شخص دیگری واگذار می کند. بنابراین محصول فعالیت او نیز هدف فعالیت او را تشکیل نمی دهد. آن چیزی که او برای خود تولید می کند آن ابریشمی نیست که او می بافد، آن طلائی نیست که او از معدن استخراج می کند، آن قصری نیست که او می سازد. آن چیزی که او برای خود تولید می کند دستمزداست. ابریشم، طلا و قصر برای او به مقدار معینی از وسائل معیشتی، مثلاً شاید یک کت پنبه ای، یک سکه مسی و یا یک آلونک تبدیل می شود. کارگری که دوازده ساعت بافندگی می کند، نخ می ریسد، تراشکاری می کند، مته می زند، بنا می سازد، حفاری می کند، سنگ می شکند، آنها را حمل و نقل می کند و غیره؛ آیا بافتن، ریسیدن، مته زدن، تراشکاری، بنا ساختن، حفاری و سنگ شکستن را به مدت دوازده ساعت به مثابه جلوه ای از زندگی خود، به مثابه زندگی می داند؟ خیر، برعکس. زندگی او زمانی شروع می گردد که این قسمت از فعالیت او متوقف می شود. زندگی او پشت میز غذا، پشت میز شراب فروشی و در تختخواب است. دوازده ساعت کارش برای او به معنی بافتن، ریسیدن، مته زدن و غیره نیست؛ بلکه به معنی به دست آوردن چیزی است که به او اجازه می دهد به سرمیز غذا، به شراب فروشی و به رختخواب برود. [۳]

اگر کرم ابریشم برای این بتند تا زندگی خود را به مثابه کرم بگذراند، اونیز یک مزدبگیر کامل خواهد بود.

نیروی کار همیشه یک کالا نبوده است. کار نیز همیشه یک کار دستمزدی یعنی کار آزاد نبوده است. برده نیروی کار خود را به صاحب برده نمی فروخت؛ همانطور که گاو فعالیت خود را به دهقان نمی فروشد. برده همراه نیروی کارش یکبار و برای همیشه به صاحب اش فروخته شده است. او کالائی است که می تواند از دست صاحبی به دست صاحب دیگری

برود، او خودش یک کالا است، ولی نیروی کار او کالای او نیست. رعیت تنها قسمتی از نیروی کارش را می فروشد [ویا درواقع دراختیار ارباب قرار می دهد]. این او نیست که از صاحب زمین دستمزد می گیرد، برعکس این صاحب زمین است که از او باج می ستاند.

رعیت به زمین تعلق دارد و برای صاحب زمین ثمر به بار می آورد. کارگر آزاد درعوض خود را می فروشد و آنهم تکه تکه؛ او ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۵ ساعت از زندگی خود را هر روز به بهترین خواستار می فروشد. یعنی به صاحب مواد اولیه، وسائل کار و وسائل معیشت؛ به عبارت دیگر به سرمایه دار، کارگر نه به صاحبی متعلق است نه به زمین؛ ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۵ ساعت از زندگی او متعلق به کسی است که این ساعات را می خرد. کارگر هر زمانی که بخواهد سرمایه داری را که خود رابه او اجاره داده بود، رها می سازد؛ و سرمایه دار هر وقت آیش تعلق بگیرد، یعنی به محض اینکه از او هیچ گونه سودی به دست نیآورد ویا سودی که برای خود تعیین کرده بود، حاصل نشود؛ وی را از کار برکنار می سازد. ولی کارگر که تنها منبع درآمدش فروش نیروی کار می باشد، اگر نخواهد از زندگی چشم بپوشد، نمی تواند کل طبقه خریداران یعنی طبق سرمایه دار را رها سازد. او بدین یا بدان سرمایه تعلق ندارد، بلکه به طبقه سرمایه داران متعلق است؛ و پیدا کردن یک خریدار در میان این طبقه سرمایه داران کاری است که دیگر مربوط به خود اوست. [۴]

قبل از اینکه از نزدیک رابطه سرمایه و کار دستمزدی را بررسی کنیم، به طور مختصر به توضیح عام ترین عواملی که در تعیین دستمزد اثر می گذارند، می پردازیم.

همانطور که دیدیم دستمزد، قیمت یک کالای معین یعنی نیروی کار است. بنابراین دستمزد هم بر مبنای همان قوانینی که قیمت هر جنس دیگری را تعیین می کند، تعیین می شود؟
حال سؤال می شود که قیمت یک کالا چگونه تعیین می شود؟

آیا جنبش خود به خودی طبقه کارگر ضد سرمایه داری است؟

با استقرار نظام سرمایه داری به جای فئودالیسم و با پیدایش دو طبقه اصلی یعنی طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار مبارزه ای مستمر بین این دو طبقه در جوامع سرمایه داری شکل گرفت. از یک سو طبقه سرمایه دار جز کسب سود هر چه بیشتر هدفی ندارد و به چیز دیگری جز آن نمی اندیشد. از دیدگاه سرمایه، کارگر نه یک انسان بلکه فقط صاحب کالائی به نام نیروی کار است که باید کالایش را به ارزان ترین قیمت از وی خرید و تا وقتی مفید است که نیروی کارش را به خریدار عرضه کند. منبع و ذات سود سرمایه داران ارزش اضافی حاصل از فرآیند بهره کشی طبقه کارگر است. حرص و آز سرمایه داران برای افزایش سود هیچ حد و مرزی ندارد، زیرا در رقابت میان سرمایه داران، برنده کسی است که از نیروی کاری که خریداری کرده است تا بیشترین حد بهره کشی نماید.

شیوه بهره کشی در تولید سرمایه داری به این ترتیب است که سرمایه دار سرمایه پیش ریخته خود را به دو بخش تقسیم می کند. بخشی از آن را صرف خرید مواد اولیه، ماشین آلات، کارخانه، هزینه آب و برق و سایر خدمات می نماید که در اقتصاد سیاسی آن را سرمایه ثابت می نامند، ثابت بودن آن از آنجا ناشی می شود که ارزش آن بی کم و کاست به محصول منتقل می شود. بخش دیگر سرمایه وی صرف خرید کالائی زنده به نام نیروی کار (موجود در مغر و عضلات کارگر) می شود که آن را "سرمایه متغیر" یا کار لازم می نامند که در واقع همان دستمزدی است که به کارگر پرداخت می شود. به این دلیل آن را سرمایه متغیر می نامند که پس از وارد شدن در فرآیند تولید ارزش افزائی می کند یعنی ارزش کالای تولید شده بیش از حاصل جمع سرمایه متغیر (دستمزد کارگر) و سرمایه ثابت (مواد اولیه، استهلاک ماشین آلات، آب، برق و تلفن ...) است. در واقع مبلغی به ارزش سرمایه پیش

ریخته افزوده می گردد که آن را ارزش اضافه می نامند. اندیشمندان طرفدار نظام سرمایه داری شیوه بهره کشی موفقیت آمیز به منظور کسب هر چه بیشتر سود را "مدیریت" نام نهاده اند و برای توجیه آن را "علم مدیریت" نامیده اند. در واقع "مدیریت" از نظر سرمایه داران افزایش هر چه بیشتر کار اضافی در روند تولید است.

از سوی دیگر کارگرانی که به استخدام کارفرما در آمده اند و نیروی کار خود را به عنوان کالائی زنده به سرمایه دار فروخته اند تا در فرآیند تولید این کالای زنده با کالاهائی غیرزنده مانند مواد اولیه، ماشین آلات و ... عجین شود و فرآیند ارزش افزائی انجام گیرد، به راحتی می بینند که سرمایه دار در اوایل شروع کار دارائیش چقدر بود و پس از چند سال به کجا رسیده است، از بریز و بیاش، عیاشی ها، تفریحات و امکانات زندگی او مطلع می شوند، زیرکانه به انباشت سرمایه وی پی می برند، تا حدودی هر چند به صورت مه آلود رمز و راز فربه شدن سرمایه وی و نقش کار خود را در آن باز می شناسند، در عین حال به وضعیت زندگی خود و سایر هم سرنوشتان خویش نظری می افکنند، با چشم خود می بینند آنکه کار نمی کند و صاحب وسایل تولید است همه چیز دارد و آن که کار می کند و فاقد وسایل تولید است چیزی ندارد. وضعیت خانواده، فرزندان کارگران و امکانات آنها را با وضعیت سرمایه دار و فرزندان آنها مقایسه می کنند و به عینه می بینند فرزندانشان به رغم تلاش و کوشش و استعداد فراوان در آینده باید برای فرزندان سرمایه دار کار کنند. نسل بهره کشان می باید همچنان از نسل استثمار شدگان بهره کشی کند چرا که بر جامعه سرمایه داری، قانون جنگل حاکم است و در سرمایه داری ثروتمندان، تهیدستان را تکه پاره می کنند. کارگر با چشم خود اثرات خوف، وحشت و اضطراب از بیکار شدن پدر و در نتیجه نا امن شدن زندگی خانواده را هر بام و شام در صورت فرزندان خود آشکارا دیده و دریافته که کابوس بیکار شدن چگونه آرامش را از خانواده وی سلب نموده است. وضعیت فرزندان خود را

که نشکفته پرپر می شوند با آرامش خاطر، امنیت اقتصادی و آینده تامین فرزندان سرمایه دار مقایسه می کند. کارگر در ذهن خود جمع بندی می کند که شب کاری و اضافه کاری کرده، روزهای تعطیل برای دریافت شندر غازی بر سر کار آمده، در میانسالی دچار پیری زودرس شده، قوای جسمانی و روحی اش در اثر کار زیاد تحلیل رفته و فرسوده شده و دهها بیماری جسمی و روحی گریبانگیرش شده است. در این مقایسه ها کارگر بین خود و سرمایه دار دره ای عمیق حس می کند که "پل صراط" نیز نمی تواند آن دو را به هم مرتبط کند، به صورت غریزی به مبارزه با طبقه سرمایه دار سوق داده می شود. این دوزخی که سرمایه داری برای وی ایجاد کرده است و با بهشتی که سرمایه داران در آن زندگی می کنند از زمین تا آسمان متفاوت است. این وضعیت کارگر را به طغیان وا می دارد.

در این مبارزه کارگر می خواهد تا آنجا که امکان دارد بر میزان کار لازم (دستمزد) بیافزاید و در نتیجه از "کار اضافی" که عاید سرمایه دار می شود کاسته گردد. کارگر در مبارزه خود پی می برد که به صورت انفرادی کاری از پیش نمی برد و باید با هم سرنوشتان خود متحد شود و برای دفاع از منافع خود دست به اعتصاب و اعتراض جمعی بزند. این دوزخیان زمین گاه چنان به خشم می آیند که ماشین ها و دستگاهها را تخریب می کنند. کارگر چون فاقد آگاهی است به جای آنکه سیستم سرمایه داری را علت اصلی سیه روزی خود بداند، به ماشین آلات صدمه می زند. گاه چنان عاصی می شود که به فکر کشتن و آسیب رساندن فیزیکی به سرمایه دار و اعوان و انصار وی می افتد. این مبارزات که به طور غریزی انجام می گیرد، خصلتی خود به خودی دارد، زیرا در مقایسه با جنبش هدفمند و با برنامه ای که بر چیدن نظام سرمایه داری را هدف خود قرار داده است و می خواهد نظمی انسانی عاری از بهره کشی انسان از انسان پی افکند، جنبش خود به خودی ره به جایی نمی برد و در محدوده مناسبات سرمایه داری به دور خود می چرخد. حرکت خود انگیزه یا خود به

خودی کارگران که بدون دخالت عنصر آگاهی است، افق روشنی پیش رو ندارد. کارگرانی که از دانش سیاسی جامع برای رهائی نهائی از سیطره نظام سرمایه داری بی بهره اند، فقط به طور خود به خودی یاد می گیرند که باید متحدانه با سرمایه دار مبارزه کنند، برای این منظور اتحادیه و سندیکا تشکیل می دهند، دست به اعتصاب می زنند و در بسیاری از موارد با دولت مدافع سرمایه داران نیز رو در رو می شوند، در این راستا ممکن است به ناگزیر حتی تشکیلات خود را نیمه مخفی یا تماما مخفی اداره کنند و به افراد تشکیلاتی ورزیده ای نیز تبدیل شوند ولی تمامی این دستاوردها از آنجا که خود به خودی است و از زرادخانه عظیم جهان بینی علمی کارگری استفاده نمی کند نمی تواند از چنبره منحوس سرمایه داری رهائی یابد.

مبارزه خود به خودی طبقه کارگر با سرمایه داران در برخی موارد ممکن است تدافعی و برای به عقب راندن تعرض سرمایه داران به سطح معیشت آنها و برای دفاع از دستاوردهای تا کنونشان باشد، در مواردی نیز مبارزه کارگران تهاجمی و به قصد چانه زنی بر سر قیمت نیروی کار است تا شاید بتواند سهم کار لازم را از ما حاصل تولید بیشتر کند و به عبارت دیگر بهای نیروی کار را افزایش دهد.

بر سر ارزیابی از ماهیت جنبش خود به خودی کارگران بین فعالان جنبش کارگری اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند جنبش خود به خودی در بنیاد و خمیرمایه وجودی خود ضد کار مزدی است، به عقیده آنان این جنبش ماهیتا ضد سرمایه داری است. از دید آنان "جنبش ضد کارمزدی قدمتی به درازای عمر طبقه کارگر دارد" و معتقدند از آنجا که تضاد عینی بین کار و سرمایه مستقل از عنصر آگاهی و حتی پیش از پیدایش جنبش سوسیالیستی وجود داشته و همچنان خواهد داشت، به همین دلیل از بدو پیدایش سرمایه

داری، جنبش کارگری هدف خود را لغو کار مزدی قرار داده است. برخی حتی پا را فراتر گذاشته و معتقدند جنبش خود به خودی می تواند به فروپاشی نظم سرمایه نیز دست یابد.

در مقابل دسته دیگری بر این باورند که جنبش خود به خودی یا خود انگیخته کارگری به رغم آنکه ممکن است بسیار گسترده و شامل اعتصابات و حرکاتی بسیار فراگیر باشد، که در سطح ملی تاثیرگذار و حتی به تعویض دولت ها بیانجامد، آسیب جدی به نظام سرمایه داری نمی رساند مثالی که این دسته ذکر می کنند، وقوع اعتراضات و اعتصابات متعدد در کشورهای مختلف به ویژه در اروپا و آمریکا است که به رغم گستردگی بسیاری از این اعتصابات نه تنها بنیان اقتصادی جامعه یعنی مناسبات سرمایه داری مبتنی بر مالکیت خصوصی بر وسایل تولید دگرگون نمی شود بلکه دولت های مدافع این مناسبات نیز همچنان پابرجا مانده اند. جالب آنست که برخی از این اعتصابات ماهها طول کشیده و سرمایه داران و دولتهای حامی آنها به خوبی نحوه رویارویی با این اعتصابات را یاد گرفته اند، ماهها اعتصابات کارگری را تحمل می کنند و با اهرم هایی که در اختیار دارند و با ترفندهای گوناگون این اعتصابات را دچار فرسایش و زوال می نمایند مبارزه خودبه خودی کارگری از آنجا که فاقد جهان بینی روشن و جامع است دورنمای روشن برای ریشه کن نمودن سرمایه داری ندارد و اصولاً به ریشه کن کردن آن نمی اندیشد بلکه عمدتاً می خواهد تا آنجا که ممکن است از آن امتیاز بگیرد. در این گیر و دار و در بسیاری موارد فریب ترفندهای سرمایه دار را می خورد و هر "موئی که از خرس می کند آن را غنیمت می شمارد" غافل از اینکه امتیاز جزئی که سرمایه دار الزاماً به آن تن می دهد قابل باز پس گیری است. عقب نشینی اندکی که سرمایه دار نموده و دستمزد کارگر را افزایش داده، با لطایف الحیلی از وی باز ستانده می شود و پس از مدتی همان دور باطل تکرار می شود. سرمایه دار مقدار ناچیزی به دستمزد کارگر افزوده است، بلافاصله این افزایش دستمزد را بر نرخ تولیدات خود می افزاید و

از آنجا که مصرف کنندگان نهائی تولیدات، طبقه گارگر است، افزایش دستمزد کارگران از جیب خود کارگران تامین می شود و نه از جیب سرمایه، در اثر مبارزه سراسری جنبش کارگری ممکن است دستمزد کارگران یک کشور به مقدار قابل ملاحظه ای ترقی کند، دولت مدافع سرمایه داری برای باز پس گیری این اضافه دستمزد به ترفندهای گوناگون توسل می جوید. به عنوان نمونه نرخ بهره را افزایش می دهد، نرخ بهره تسهیلات اعطایی که بالا رفت بر هزینه تولید سرمایه دار افزوده می شود، از آنجا که سرمایه داران به کمتر شدن ارزش اضافی تن نمی دهند، افزایش نرخ بهره را بر قیمت کالاهای تولید شده خود سرشکن می کنند سپس قیمت کالاهای تمام شده افزایش می یابد و سر انجام تاوان افزایش نرخ بهره را مصرف کنندگان نهائی که کارگران هستند می پردازند. پس از افزایش تورم، اضافه دستمزدی که با مبارزه سراسری یکپارچه کارگران به دست آمده بود مجدداً از دست آنها خارج می شود. به یقین می توان گفت سرمایه داران برای جبران افزایش دستمزدی که کارگران به آنها تحمیل می کنند هزاران ترفند در آستین دارند و هر بار به فراخور وضعیت یکی از این ترفندها را رو می کنند. بدین سان مبارزه کارگران با سرمایه داران در دایره بسته ای محدود می شود و آنها مجبور می شوند قواعد بازی سرمایه داری را رعایت کنند و نظم سرمایه را محترم بشمارند. طبقه کارگر نمی تواند بدون دریافت آگاهی جامع و منسجم این دایره لعنتی را بشکند.

ادامه این مطلب و تشریح دو دیدگاه مذکور به شماره های بعدی بولتن موکول می شود.

نوشته: د - خردمند

اعتراض کارگری خبرنگار کمیته پیگیری ایجادتشکلهای آزاد کارگری به صورت مستمر

منتشر می شود.

در تکثیر و توزیع آن مارا یاری دهید.

خواسته های به حق کارگران شرکت واحد که به خاطر آنها از هیچ کوششی دریغ نشد

- ۱- طبق قانون کار ماده ۳ رسمی شدن کارگران قراردادی بعد از ۷۴ ماه
- ۲- اجرا شدن طبقه بندی مشاغل زیر نظر نمایندگان واقعی کارگران
- ۳- برقراری سرویس ایاب و ذهاب برای صبح کار و بعد از ظهر کار
- ۴- پرداخت پول ناهار به کارگران بدلیل زیر سقفی نبودن
- ۵- افزایش پول خواروبار حداقل برابر حقوق روزانه
- ۶- افزایش حقوق بالای خط فقر
- ۷- لباس کار زمستانی ۲ دست و لباس کار تابستانی ۲ دست
- ۸- افزایش مرخصی سالیانه
- ۹- یک روز تعطیل بعد از ۶ روز کار هفتگی
- ۱۰- پرداخت کارانه برحسب شلوغی خطوط
- ۱۱- پرداخت بن شهروند مطابق دریافتی پرسنل شهرداری
- ۱۲- پرداخت حق مسکن مناسب
- ۱۵- افزایش سقف وامها
- ۱۶- بیمه مطابق بیمه های شهرداری
- ۱۷- بیمه مکمل
- ۱۸- حمایت کارفرما از راننده در هنگام تصادف
- الف: بیمه کامل شخص ثالث
- ب: بیمه بدنه اتومبیل برای جبران خسارت
- ج: همراه بودن وکیل شرکت با راننده در دادگاه ها
- د: پرداخت کل حقوق و مزایا در مدت زندان و بازداشت
- ۱۹- امکانات رفاهی ، ورزشی تفریحی و زیارتی
- ۲۰ - سهمیه شیر
- ۲۱- پاداش فرزندان ممتاز کارگران در رشته های تحصیلی مطابق شهرداری
- ۲۲- کمک راننده
- ۲۳- آزادی انتخاب نماینده کارگران بصورت دمکراتیک
- ۲۴- بازگشت به کار کارگران اخراجی
- ۲۵- پرداخت پاداش مناسب برای عدم تصادف

۲۶- ایمنی کار و خط کشی در مناطق وجدول بندی در مناطق شرکت واحد

ارزیابی و دستاوردهای حرکت های اعتراضی سندیکای شرکت واحد

شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ، در مناطق ۱۱ و ۱۲ گانه تهران، شاهرگی است که حمل و نقل مسافران تهران را تحت پوشش دارد. وسعت این پوشش از منتهی الیه شمالی تهران دارآباد و درکه، شمیرانات از جنوب تا شهرک واوان و شهرک مهدی واقع در ۲۰ کیلومتری جنوب تهران از شرق ورامین شهرک کاروان و مسعودیه جاده خراسان واز غرب تهران ، رباط کریم ، پیکان شهر و قلعه حسن خان را می پوشاند. شاید به وسعت ۶۰ کیلومتر در شمال و جنوب و ۶۰ کیلومتر شرق و غرب تهران خدمات حمل و نقل مسافران را برعهده دارد.

مسافران آنها، کما بیش به لحاظ موقعیت اجتماعی در همان ردیف خودشان قرار دارند . کارمندان ، کارگران و قشر وسیعی از زحمتکشان صنوف مختلف ، بیکاران ، زنان و دانش آموزان و دانشجویان و حتی مسافران شهرستانها که از ترمینال های سطح تهران و مبدأ و مقصدشان است.

تعداد کارگران شرکت واحد بیش از ۱۷ هزار نفر است . شغل شان و زمان کارشان که از ۸ ساعت تا ۱۲ ساعت است. با این جمعیت عظیم مسافران که شاید بیش از یک میلیون نفر را جابجا می نمایند. وجود این کارگران شرکت واحد با گره خوردن به مسافرت های چند دقیقه ای این جمعیت میلیونی که دقایقی را در کنار هم به سر می برند از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

موقعیت اجتماعی ایشان به نوعی به یکسان است. دستمزدهای ناچیز زیر ۱/۳ خط فقر قرار دارد. گرانی روز افزون، بیکاری خانواده ها، ناامنی شغلی (اکثر کارگران شرکت واحد قرار دادی هستند) و همین مسافران نیز با این قانون، قراردادهای موقت دست به گریبان هستند. حقوق های عقب افتاده، اجاره خانه هایی که عموماً با حقوق، حقوق بگیران، یکی است؟! است!

همین طور که می بینیم. این کارگران درست در میان مردم هستند. گاهی در خیلی از مناطق، کارگران و کارمندان که در ساعات اولیه ساعت کار، شرکت و احد یکی می شود. به نوعی همکار می شوند. اولین سرویس کاری مصادف می شود با حرکت به سمت کارگاهها، کارخانه ها و ادارات و کلیه مشاغل دیگر. در این اوقات رانندگان، مسافران را چهره به چهره هم می شناسند، مسافران نیز با رانندگان زمان ایاب و ذهاب خود، آنها را با نام و چهره شان آشنا هستند.

و دیگر اینکه در هر ساعتی گفتگوهای خودمانی و حتی شخصی و خصوصی نیز پیش می آید. همان مسافرانی که از انبوه مسافر تا شانه به شانه رانندگان، کنارشان قرار می گیرند و گفتگوهای دوستانه در می گیرد. حداقل هر راننده در هر مسیر یک طرفه شاید با حداقل ۱۰-۱۵ نفر شانه شانه قرار می گیرند و اگر راننده ای مثلاً در مسیر خیابان ولی عصر ۱۰ سرویس دوطرفه انجام دهد. با جمعیتی در حدود ۱۰۰ الی ۱۵۰ نفر در یک متری هم قادر به گفتگو می شوند. به راحتی این معادله قابل دست یابی است که تعداد کل رانندگان با مردمی که نزدیک هم قرار می گیرند، به تعداد هزاران نفر میرسد.

موقعیت اجتماعی و جغرافیایی کارگران شرکت واحد، با مردم و اذهان عمومی از نادرترین مشاغل است. و در موقعیتی استثنایی قرار دارند.

واین موقعیت را کارخانجات بزرگی با جمعیتی بیش از ۲۲ هزار نفر که مثلاً درایران خودرو کاری کنند را می توان مقایسه کرد. ویاحتی صنعت نفت یا پتروشیمی ویا ذوب آهن ها ، اعتراض کارگران با حساس ترین موقعیت اقتصادی که مثلاً درایران خودرو ویا صنعت نفت پیش بیاید. اگر خبر رسانی شود. هماهنگی های از پیش تعیین شده در سالنهای تولیدی دور و نزدیک ازهم را داشته باشند، معمولاً شاید اعتصاب یا اعتراض با ۵۰٪ درست کل کارگران نیز شروع نمی شود. و شاید همراه هم نمی شوند ویاحتی خط پر آن رامحاسبه کنیم. ۸۰ درصد کارگران هم اگر دریک روز به وقوع به پیوندند. انعکاس خبری آن بیش از چند روز به طول می انجامد. تا این خبر به مردم دیگر برسد.

نتیجه گیری اینکه، این موقعیت فوق العاده را این کارخانه جات باحساس ترین تولیدشان رادردسترسی ندارند.

حرکت های اعتراضی شرکت های حمل و نقل شهری مسافران در دیگر کشورها ، دقیقاً چنین بروز عینی را دراولین ساعات نشان میدهد، همه مردم وقتی با عدم حضور اتوبوس ها مواجهه می شوند. می فهمند که رانندگان در اعتصاب به سر می برند. با تمام توضیحات داده شده اینک به درستی می توانیم ارزیابی اعتراضشان را از نظر بگذرانیم.

اگر کمی به قبل از اعلام اعتصاب اول دی ماه برمی گردیم .نتیجه مطلوب از مذاکرات سندیکا با مسئولین و مدیر عامل و نشر و خبر رسانی این مذاکرات به صورت شفاف و روشن صورت می گرفت. می توانست دراعلام اعتصاب و طبعاً نتیجه گیری از آن را قوت ببخشد. وقتی پای مذاکره پیش می آید . سندیکا زمانی موفق است که از ۲۴ مورد خواسته های کارگران حداقل چندین مورد را بدست آورده باشد.

ودوم اینکه مذاکرات همیشه با صورتجلسه های پایانی که توافق در گفتگوهای حاصل شده را مستند می سازد و کارفرما و طرف کارگران را مقید به اجرای آن می سازد .امری است که

سندیکا را می توانست نزد کارگران قوت ببخشد و وجود خود را به طور اثباتی به کارگران نشان دهد.

اینکه نتیجه مذاکرات با اندک دستاوردی پایان یابد. امری است که از قدرت و توانایی سندیکا می کاهد. و کارگران وقتی نتیجه مذاکرات را می دیدند و رد یا قبول خواسته هایشان را از جانب کارفرما، به طور سریع و روشن مشاهده می کردند. آنگاه اعتصاب می توانست موفق تر و پیروزمندتر از آن که بود، پیش برود. و قطعاً حاصل آن نیز به طور یقین به نفع کارگران بود.

سندیکای شرکت واحد از اخبار مندرج شده از سخنرانیها، جلسات پالتاک، گفتگوهایشان با رسانه که داشتند. خبر از آن داشت که ۳ منطقه با کمابیش شرکت کنندگان دراعتصاب بهمن ماه و دی ماه به وقوع پیوست. مناطق شماره ۱ دررسالت، هنگام و شماره ۳ در افسریه و منطقه ۶ درغرب تهران و مرکز ثقل این اعتصاب درمنطقه ۶ رقم خورد. یعنی از ۱۲ منطقه ۳، منطقه دراین اعتصاب شرکت فعال و تعیین کننده داشتند. باید دیدعدم همکاری درمناطق دیگر به چه دلایلی بوده است.

عدم فعالیت و خبر رسانی درمناطق دیگر که از دست رس سندیکا خارج بوده است. هماهنگی لازم درچنین ابعاد گسترده پایتخت بزرگ تهران، امری سخت، اما شدنی است. و ایجاد مجامع عمومی دراین مناطق دراشکال متفاوت که با صلاحدید سندیکا می توانست انجام پذیرد. برای اعلام اعتصاب، از الزامات است که حداقل باید طی چند اطلاعیه مکتوب که خبر رسانی ۷۰ درصدی را دربرداشته باشد.

سپس عملیات اجرایی با مکانیسم هایی که سندیکا چندان هم با آن غریبه نبود. برای همراه کردن وهم رأی کردن حداقل ۵۰ درصد کارگران برای اعتصاب از ابزارهای دیگر اعلام اعتصاب بود. گذاشتن سخنرانی ها در خور موقعیت هر منطقه برای آماده سازی و جلب توجه

عمومی کارگران برای اعتصاب ضروری بود. و مکانیسم دیگر اینکه بوجود آوردن تبلیغات موجی گفتاری که توسط خود کارگران میتوانستند با حداقل نیروی سازماندهی شده توسط سندیکا انجام پذیرد.

وسپس از همه مهمتر ، پاسخگوی مستقیم و دم دست با آرای عمومی ، تصمیم گیری دسته جمعی است که می توانستند در مناطق با مکانیسم های خاص با برپایی مجامع عمومی در کلیه مناطق به نتیجه گیری اکثریت آراء و حضور فعال کارگران ، دست یابند. و برنامه ریزی اعتصاب را پیش ببرند. ه کارگیری مکانیسم های فوق می توانست به مراتب مطمئن ، و با همراه سازی دیگر مناطق برای امر اعتصاب را سازمان دهند و آن را با موفقیت به ثمر برسانند .

هرچند که اعلام اعتصاب ناگهانی شد. اما هیئت مدیره سندیکا پیشاپیش تصمیم خود را گرفته بودو مذاکراتی را بامدیر عامل شرکت اتوبوسرانی به انجام رسانده بود.

کارگران شرکت واحد خواسته هایی داشتند بارها به مسئولین وهیئت مدیره شرکت واحد منتقل شده بود . چند بار برای التیماتوم چراغ ها را روشن کرده بودند. اعلام اعتصاب بدون هماهنگی های لازم و کافی باکارگران تمامی مناطق درهیئت مدیره به آن دست یافته بودند. و این امر مهمی بود که هیئت مدیره به درستی عمل نکرد .

اعتصابات معمولاً باخواسته هایی مشخص شروع می شود. گاهی این خواسته ها مانند موج برآذهان عمومی کارگران عمل می کنند . گفتگوها انجام می پذیرد .نظرات پخش می شود. و سرانجام با یک مجمع عمومی ویا در غیراین صورت وقتی اذهان عمومی به اندازه لازم پاسخ مثبت داد، معمولاً از بهانه ای و یا از زمانی مناسب شروع می شود . که قابل پیش بینی نیست.

پیشروانی هستند که این زمانها را تشخیص می دهند و اعتصاب آغاز می شود . در این موارد سازماندهی وجود ندارد. تعیین زمان وجود ندارد. مقاطع آن , زمانهای مذاکره , و زمان توافق ها روشن نیست . برحسب فشار عمومی برای دست یابی به خواسته ای و یا اعتراض برعلیه عملکردهای از جانب کارفرما, با آماده بودن اذهان عمومی کارگران , شروع اعتصاب اجتناب ناپذیر می گردد. و به صورت خود به خودی با اشاره ها و نظرات عمومی کارگران پیشرو پیش برده می شود. البته اگر به اوضاع احاطه کامل داشته باشند. اعتصاب شرکت واحد با سازماندهی که در رأس آن هیئت مدیره سندیکا وجود داشت , می بایست به پیش برود . وقتی بحث از تشکل کارگری و اعمال رهبری از سوی یک جمع متشکل و سازماندهی شده است. انتظارات دیگری می رود. و این انتظارات دقیقاً از سندیکای شرکت واحد امری معقول و خردمندانه بوده است .

سندیکا نتوانست از ابزارهای موجود و تجربه شده جنبش کارگری سود ببرد . از جمله آن ابزار: مجامع عمومی است. سازماندهی تشکیلاتی , تبلیغات وسیع با زمان از پیش تعیین شده. روشن شدن خواسته ها, اعلام یک به یک آن نزد کارگران و از طریق آماده کردن کارگران برای یک حرکت وسیع و یک دست و هم رای شده , حداقل ۶۰ تا ۷۰ درصدی کارگران, تمایزات کارهای تشکیلاتی کارگری است. دقیقاً از همین ضرورت , بر ایجاد تشکل های آزاد کارگری پای فشاری می شود . از جمله سندیکا.

اینکه هیئت مدیره سندیکا علاوه بر اینکه تصمیم خود را برای اعتصاب گرفته بود. اما زمان آن از سوی هیئت مدیره به تعجیل افتاد. و با پیش دستی دولت در دستگیری بعضی از اعضای هیئت مدیره سندیکا. این تعجیل را ضروری ساخت و کارگران دستگیر نشده , به اجبار برای آزادی دستگیر شدگان ناگزیر بر اعلام اعتصاب فوری شدند . . و اما شرایط و آنچه در حین اعتصاب گذشت.

برحسب برشماری وضعیت وموقعیت و شرایط پیش از اعلام اعتصاب ، آنچه نتیجه گرفته شده دور از پیش بینی نبود.

عملیات پیشگیرانه نیروی انتظامی برای جلوگیری از اعتصاب کارگران ، هیئت مدیره باقی مانده ، از دستگیری و کارگران پیشرو را در مقابل خواسته ضروری و فوری تری قرار داد. و تمام خواسته های دیگر تحت الشعاع قرار گرفت . وآن هم خواست آزادی فوری کارگران دستگیر شده بود. واین خود ، معضل جدید ادامه و چگونگی پیشبرد اعتصاب کارگران بود . اعتصاب در مناطق ۱-۳ و ۶ در ساعات اولیه چهره شهر را عوض کرد. جمعیت های سرگردان ونگران از تأخیر درمسافرت هایشان ، انبوه مسافران که درمیان خیابانها پیاده راه خود را می رفتند ویا انبوهی از جمعیت که منتظر ماشین بودند. البته در مسیرهایی که شامل این سه منطقه بود.

عدم اطلاع قبلی مردم از اعلام اعتصاب کارگران واحد، دیواری بود که موجب گردید. گره اجتماعی بین اعتصاب کارگران و حمایت و پشتیبانی مردم از آنان را موجب شد. در اینجاست که باید به مقدمه مقاله بازگردیم . آنجایی که موقعیت اجتماعی و جغرافیایی کارگران شرکت واحد در جامعه از موقعیت ویژه ای برخوردار بود.تنها کافی بود که یک هفته قبل، هر راننده ای به هر وسیله ممکن، که می بایست خواسته های خود را بامردم درمیان بگذارند،همان جمعیتی که دوشادوش رانندگان از ازدحام زیاد کنارش می ایستادند باز ماندند .

بهترین زمان تبلیغ خواسته ها و مطالبات بود و هست که همراه کردن مردم واذهان عمومی با خودشان بود . تبلیغ خواسته ها و معضلات کارگران بر دیگر مردم هیچ منع قانونی نداشته وندارد . اینکه مردم به راحتی هر جا کنار هم قرار می گیرند، مشکلات همدیگر را بازگو می

کنند. اخبار و گزارشات ردوبدل می شود. امری طبیعی و اجتماعی و حقوق فردی تمامی انسانهاست. وسندیکا از این فرصت و موقعیت اصلاً استفاده نکرد.

با اعلام اعتصاب دوم اول بهمن ماه، هیئت مدیره و کارگران اعتصابی با دستگیری و تحت تعقیب قرار دادن آنها، دستگیری نزدیک به ۴۰۰ نفر از کارگران در ساعات اولیه، تقریباً اعتصاب را به شکست انجامید. تهدید کارگران و جابه جایی رانندگان در خطوط دیگر، به کارگیری ماشین های دولتی و رانندگان غیر شرکت واحد همه و همه بر اهمیت این اعتصاب به دلیل ویژگی اش، دولت و نیروهای امنیتی اش را هشیار کرد و آنها بادست بالا حرکت کردند. و اعتصاب را نه تنها به شکست کشاندند. بلکه رعب و وحشتی بی سابقه را بین کارگران به راه انداختند. متأسفانه هیئت مدیره بر اهمیت سازماندهی اعتصابش و بدنبال آن با عدم به کارگیری مکانیسم های لازم و کافی برای اعتصاب، عرصه را دولت فوراً به دست گرفت. و اما در جنبش کارگری این حرکت نادری نبود که برای اولین بار به شکست انجامید، بلکه خالی از تجربه هم نبود. در هر صورت عمل اعتراض به آنچه در شرکت واحد می گذشت از نکات ضروری و اجتناب ناپذیر این حرکت بود. و اینک دستاوردهای آن:

این اعتراض با حمایت و پشتیبانی سازمانهای کارگری و اتحادیه ها چه در داخل و خارج با موج وسیعی همراه گشت و کلیه این پشتیبانی ها منجر به آن گردید تا اذهان عمومی جهان به سوی کارگران ایران برگردد. و با اعلام روز جهانی حمایت از کارگران ایران در مورخه ۱۵ فوریه (۲۶ بهمن ماه ۸۴) از دستاوردهای بسیار بزرگ و تاریخی تنها اعتراض کارگران شرکت واحد در سطح جهانی بود، این تحرک اعتراض آمیز پس از انعکاس بیرون از ایران، توانست حمایت های بزرگ و کوچک توسط سازمانهای بزرگ و معتبر جهانی کارگران را، جلب نماید. تا طبقه کارگر ایران که از اذهان عمومی جهان فراموش شده بود. بر عرصه اخبار جهانی کارگران قرار گرفت. و این پیوند و همبستگی واقعی و ملموس با کارگران جهان تمامی ان بی حقوقی

که طی سالیان در سایه وحشت و اختناق بر کارگران ایران تحمیل شده بود، به یک باره در جهان انعکاس وسیع یافت. واذعان جهانی را تحت تأثیر قرارداد. نیاز و ضرورت اتحاد کارگران جهان، در این واقعه تاریخی حرکت اعتراض کارگران شرکت واحد باردیگر بر تمامی کارگران جهان به ویژه کارگران ایران اثبات گردید. عضویت سندیکای شرکت واحد در فدراسیون اتحادیه های حمل و نقل جهانی و کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری از مشخصه های دیگر این حرکت اعتراض کارگران شرکت واحد بود که پیش از میلیونها عضو دارد. قطعاً عدم حمایت های سرسختانه و پی گیرانه سازمان ها و اتحادیه های کارگری جهانی نبود. نتایج آن فضای رعب و وحشت که بر کارگران شرکت واحد تحمیل می شد. کاملاً با آنچه رخداد متفاوت می بود. در سایه این اعتصاب، آن یورش سرکوبگرانه خانه کارگر نیز، که در ابتدای پای گرفتن سندیکای شرکت واحد را داشتند بیش از پیش دراذعان جهانی درخشید. و خانه کارگر در سمینارها و گردهم آیی های کارگری جهان، پس زده شد و مهر بزرگ، باطل بودن، نمایندگی کارگران ایران را بر خود هموار ساخت. اینجا این نکته لازم است بیان شود که هر گونه همکاری و مذاکرات و مراودات و مکاتبات سازمان ilo و دیگر سازمان ها و اتحادیه های کارگری جهان، تحت هیچ شرایطی نباید باخانه کارگر ادامه یابد و به نمایندگی کارگران ایران را به رسمیت بشناسند. قرار گرفتن خانه کارگر در کنار سازمان های و اتحادیه های کارگری تنها به بی آبرویی و ضد کارگری بودن آنها صحنه خواهد گذاشت. بالاخره با به میان آمدن فشارهای جهانی کارگران، دولت راه عقب نشینی را پیش گرفت و کارگران زندانی را آزاد کرد و پس از حرکت های خود سندیکای شرکت واحد در مقابل وزارت کار و دفتر مرکزی شرکت واحد، موجب گردید، تا بالاخره عده کثیری از کارگران تعلیقی شرکت واحد برسرکار خود بازگردند. اما جای تأسف آنجا بود که کارگران ایران به ویژه شرکت واحد شهرستانها هیچ حرکت اعتراضی در حمایت و پشتیبانی از کارگران شرکت

واحد تهران را به عمل نیاوردند. این هم باز به خود عملکرد و تدارک اعتصاب توسط سندیکا برمی گردد. عدم خبر رسانی به کارگران شرکت واحد شهرستانها بود. دستاورد دیگر این حرکت معرفی رهبران عملی بود که در این حرکت اعتراضی به جلو صف جنبش کارگری آمدند و پشت تریبون ها قرار گرفتند و روبه اذهان عمومی جهان و جامعه از اعتراضات خود دفاع و بر آن پای فشاری کردند.

دستاورد دیگر این اعتراضات ، دریافت بیشترین مزایای شب عید سال ۸۵ بود . علاوه بر افزایش ۳۰ درصدی دستمزدهای کلیه کارگران شرکت واحد ، بن های خواروبار و بن لباس و کفش دریافت کردند . کلیه کارگران از نتیجه تشکیل سندیکای شرکت واحد قلباً رضایت داشته و از آن بهره بردند . متأسفانه با وجود فشار و تهدید ارباب نتوانستند رضایت خود را علناً ، صریح روشن بیان کنند . اما این اولین تجربه یک تشکل مستقل کارگری است که حاصل آن بدست آوردن چنین افزایش دستمزد و مزایا بوده است . البته پس از سالیان دراز.

جنبش کارگری در تاریخ مبارزات خود عموماً همراه با پس رفتن های موقت و پیش رفتن در عرصه های دیگر است . و در این دوره از تاریخ، حرکت اعتراض سندیکای شرکت واحد، جایگاه ویژه ای را در میان جنبش اجتماعی کارگران کسب کرد.

و در پایان: تمامی مردم ، فعالان کارگران ایران و جهان را فرا می خوانیم تا از خواسته های کارگران شرکت واحد با قدرت بیشتری حمایت کنند . به ویژه تأمین هزینه زندگی ۵۸ نفر از کارگران شرکت واحد که اعضای این هیئت مدیره سندیکا به طور برجسته در این میان وجود دارند. جمع آوری کمک های مالی هر چند به طور شخصی انجام می پذیرد و از آن نمی توان اجتناب کرد. اما طریقه این کمک ها اگر به نام تشکل ها و جمع های موجود، انجام گیرد . جایگاه ویژه فعالیت تشکیلاتی کارگران را در بر خواهد داشت. هیئت مدیره سندیکای شرکت

واحد نیز باید پاسخ های معین برای کمک های مالی از جانب کمک کنندگان به ویژه آنجا که کمک مالی فلان کارخانه مطرح است را باید با نامه های سرگشاده از طریق رسانه ها، قدردانی و اعلام حمایت جمعی کارگران را مورد ستایش قرار دهند. تا اهمیت کار تشکیلات اجتماعی کارگران عملاً به اثبات برسد. کارگران شرکت واحد هنوز نیازمند حمایت های مالی هستند. و مصراً فعالیت بازگشت به کار ۵۸ نفر را دنبال می کنند. بازگشت به کار کارگران باردیگر باید رأس اخبار رسانه ها قرار گیرد.

۸۵/۵/۳۱

آیت نیافر

عضو انجمن ادبی، اجتماعی اندیشه کارگران سخنگو و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری

پیش بسوی ایجاد تشکلهای آزاد

سراسری کارگری

اعتراض کارگری خبرنامه کمیته پیگیری ایجادتشکلهای آزاد کارگری به صورت مستمر

منتشر می شود.

در تکثیر و توزیع آن ما را یاری دهید.

۱۴۸۷ - ۱۳۴۴۵

www.komiteyepgyiry.com

azaditashakol@yahoo.com

صندوق پستی :

آدرس سایت اینترنتی :

آدرس پست الکترونیکی :

زندگی کارگران - قسمت اول

بررسی شرایط عمومی محیط کار

اگر سرمایه داری می توانست آن بخش از شعور کارگران را که برای یک زندگی انسانی آنها را مجبور به مبارزه ای مداوم با سرمایه داری می کند را پاک کند و هرگونه قدرت تعقل و ادراک کارگر در مورد استثمار و ارزش افزایش را از وی سلب کند حتماً بجای تولید انواع , سلاحهای کشتار جمعی و پروژه های رواج خرافه و اعتیاد و غیره... تمام هزینه اش را صرف چنین کاری میکرد. بشرط آنکه خللی در ثروت اقرائی آنها بوجود نیاید و یا خللی در امر بری وزیر دست بودن کارگر ایجاد نگردد. اگر چه از عهده چنین کاری بر نمی آید و نمی تواند قدرت فکر کردن و مبارزه جویی را از طبقه کارگر بگیرد اما با روشهای گوناگون در جهت تداوم حفظ نظام سرمایه و گرفتن هرگونه تفکر از کارگر و انحراف مبارزات آنها, هزینه های بی شماری را پرداخت می کند. برای آنکه بتواند کارگر را وادار به مطیع بودن کند, انواع فشارها از قبیل , شرایط نامناسب کار, ساعات کار طولانی, با فشار و شدت بی وقفه کار, عدم وجود ایمنی و بهداشت محیط کار رابه کارگران تحمیل می کند. و ازسوی دیگر , با وضع قوانین بی شمار در راستای ثروت افزایی و استثمار هر چه بیشتر کارگران تلاش می کنند.

اما ببینیم سرمایه داری چه شرایطی را به ما کارگران تحمیل کرده و این شرایط چه صدمات جدی به روح و روان و جسم ما وارد می کند.

عدم وجود ایمنی و بهداشت محیط کار از جمله آلوده گی صوتی مانند صداهای گوش خراش ماشین آلات و ادوات تولید, عدم وجود تجهیزات پیشگیرنده , همچون حفاظت الکتریکی , پرسها واره ها و تسمه نقاله ها و خطوط ماشینهای لیفتهای بالابرنده و عدم وجود لباسهائیکه ایجاد حریم در مقابل کلیه اشعه ها, ناشی از جوشکاری های صنعتی و شیمیائی و غیره می

کنند. رعایت نکردن موارد ایمنی برای مشاغلی که سخت وزیان آورند و تأثیرات روحی روانی دارند و از نظر فیزیکی شکننده و یا بخشاً تأثیرات هرمونی و جنسی و عصبی دارند و کارگران بدون هیچ آگاهی و شناختی از عوارض بعدی و جانبی آن در این شرایط کار می کنند. همچنین نداشتن نور طبیعی در اکثر مراکز صنعتی و خدماتی و تجاری و همچنین نمودن بودن داشتن فضای آلوده از پوزه های ناشی از موارد ریسندگی و بافندگی و هزاران عامل دیگر، مجموعه کوچک و شناخته شده ای هستند که هر روزه کارگر با آن سرو کار دارد و تمام لحظات کارش بدین طریق مورد شکنجه و آزار جسمی و روحی قرار می گیرد.

که با صدها برابر مزدی که به او پرداخت می شود نمی تواند صدمات ناشی از محیط کار، که بر سلامت او وارده شده ، جبران کند.

سرمایه داری در تمام مراکز صنعتی بابت کارگیری پیشرفته ترین و مدرنترین سیستم زنجیره ای تولید ، شرایطی را بوجود آورده که به کارگر حتی اجازه سرخاراندن رانمی دهد چه برسد که او بتواند با همکار خود، هر چند کوتاه ، گپی دوستانه بزند.

از سوی دیگر ، موقعیت اقتصادی بد، کارگران را وادار می کند به هر شرایطی تن دهند از جمله ، دو شیفت کار کردن، برداشتن کارهای کنتراتی ، مقاطعه کاری و دست و پا کردن شغل دوم، که دراصل شیفت سوم کار کارگر می باشد. همچنین انواع مختلف شب کاری و نوبت کاری که کارگر مجبور به انجام آن است . از طرفی روزانه کارگر مجبور است بیشتر از ۵ ساعت وقت خود را برای رسیدن به محیط کار و بر گشت به خانه صرف کند که در قبال آن هیچگونه وجهی دریافت نمی کند.

سرمایه داری با ساختن چنین شرایطی غیره قابل تحمل بر زندگی کارگران ، از سوی دیگر ، با ابزارهایی مانند کار گذاشتن دستگاههای کارت زنی برای خروج ازهر قسمتی و همچنین مجزا کردن سالن غذاخوری هر قسمت و قطع ارتباط قسمتهای کاری ازهم، مسرانه تلاش می کند

ارتباط کارگران بایکدیگر را قطع کند تا مبادا کارگران درارتباط با یکدیگر , آگاه شوند و در جهت به دست آوردن حق و حقوق خود بر علیه سرمایه دار متحد شوند.

بهروز بشارت

مدیر عاملی داریم ناز

دوستی می گفت مدیرعاملی داریم ناز که نگو و نپرس, اینقدر ناز است که آدم شیفته اش می شود. همیشه می گویدمن این سفره را بازکردم که برای امواتم دعا کنند. کارهای من فقط برای رضای خداست. حتی بارها شده کسانی که در شرکت آسیب دیده اند که تعدادشان هم کم نیست به محض مطلع شدن ابراز همدردی می کند, من ندیده ام ولی شنیده ام که حتی برای آنها گریه کرده , این بنده خدا همیشه برای ما و خانواده هایمان آرزوی موفقیت و سلامتی دارد.

حتی چند سال است که می خواهد در این شرکت را ببندد و برای اکثرما توضیح داده که مابه خاطر شما این شرکت را سرپانگه داشته ایم ولی متاسفانه بعضی از این تازه به دوران رسیده ها حرف آقا را قبول نمی کنند.

منظورم را متوجه می شوی که (شورا) ودر گوشی و نجوا می کنند در آخر چوب این ناسپاسیشان را می خورند چند بار بنده خدا به آنها تذکر داده, ما به شما حقوق می دهیم غذا می دهیم می گذاریم در این شرکت نفس بکشیدولی باز هم شما نق می زنید(کسی که شاکر نیست کفران نعمت می کند) آن وقت آقای مدیر عامل ناراحت می شود آنها را از شرکت بیرون می ریزد. خداوند هم به خاطر این دل نرم ولطیفش تا بخواهی به او امکانات مالی داده, ماشینهای مدل به مدل , کارخانه های متعدد, ویلای خوش آب وهوا, زمینها و گاراژها ونقدینگی کلان و... خیلی بیشتر از این که ماخبر داشته باشیم.ولی آقا آنقدر متواضع

است که همیشه خودش را مثل ما می داند و بارها اعلام کرده خوش به حال شما کاش من هم مثل شما کارگران بودم تواضع تا این حد! فقط یک ایراد کوچک دارد نباید در رابطه با مشکلات ومسائل صنفی خودت صحبت کنی چون آقا خیلی دل نازک است و ناراحت خواهد شد، حتی اگر بگویی من حقوقم کم است حتماً بدان قرارداد تمدید نمی شود. اگر ایرادی به وضعیت غذا داشته باشی بخشیدنی نیست .

حتی نباید به خودت اجازه بدهی فضولی کنی وبگویی کارفرما امکانات مالیش خوب نیست هر چند از چشم نمی ماند . دوربینهای مدار بسته کارخانه از یک طرف آنتن ها ی این بزرگوار از طرف دیگر .

بنده خدا همیشه نظرش این است «این نعمتی که به شما ارزانی شده باید شکر گزار باشید، درغیراینصورت مورد بی لطفی من قرارمی گیرید.» من دعا می کنم که آقا هر روز وضعیتش بهتر ازدیروز باشد خداوندبه او کمک کند...

که اوهم مانند شرکایش آن طرف آنها کارخانه ای راه بیاندازد وبه خاطر اینکه اجازه می دهد در ملک خودش نفس بکشیم غذا بخوریم حقوق بگیریم سپاسگذاریم. انشاء... هر سال یک کارخانه زیاد کند، مدل ماشینهایش سال به سال جدیدتر ویلایش خوش آب وهواتر . ماکه دیگر غیر از دعا کردن کاری ازدستمان برنمی آید در آخر بازهم می گویم ما مدیرعاملی داریم بسیار...

پیش بسوی ایجاد تشکلهای آزاد

سراسری کارگری

من زنده مانده ام

چهار نفر پشت درمطب نشستند. سه مرد و یک زن . دکتر هنوز نیامده بود. منشی اش هم هنوز نیامده بود . کاناپه ای بلند و کهنه ای توی سالن , روبه روی در مطب گذاشته بودند. سالن تنگ و نیمه تاریک بود و پنج متر بیش تر طول نداشت. زن , خود را در چادری مشکی پوشانده بود و با کفش های زیر سر, روی کاناپه خوابیده بود. یکی از مردها عینکی بود و کله اش مو نداشت و هی تند و تند در آن سالن کوچک , می رفت و بر می گشت و ناگهان می ایستاد تا به حرف های آن دو مرد دیگر گوش بدهد. زن در خواب ناله می کرد و پاشنه هایش را که از سوراخ جورابش بیرون زده بود, به هم می سایید.

یکی از دو مردی که نشستند بود و جوان بود, صورت پر و چهار گوشه داشت, دست هایش زمخت بود, شبیه کارگرها . دومی میان سال بود و لاغر و کوتاه قد و چشمان ریزی داشت. آن که شبیه کارگرها بود رو کرد به مرد چشم ریزه و به درمطب اشاره کرد و پرسید : « این دکتر, خوب است؟ »

مرد به پاشنه های چرک زن نگاه کرد و گفت: « خیلی خوب است. دکتری بهتر از این ندیده ام , مگر تابه حال پیش او نیامده ای؟ »

« نه , من از شهرستان می آیم. از کرج. دکتر آن جا خودش فرستادم به این جا. »
« خودش فرستاد؟ »

« بله . گفت برو تهران پیش همین . پس حتماً می دانی که دکتر خوبی است؟ »

« آری. خیلی خوب است . اول معاینه می کند, نسخه می نویسد و بعد ویزیت می گیرد. »
« معاینه هم می کند؟ »

« بله . مگر دکتر تو معاینه نمی کرد؟ »

« نه , فقط قرص می داد.»

« معاینه نمی کرد؟»

« مگر این یکی معاینه می کند؟»

« بله .بله.»

« یعنی چه طوری؟»

« از تو چیزهایی می پرسد و تو باید جواب بدهی .فشار خون هم می گیرد. مگر دکتر تو, این

کارها را نمی کرد؟»

« نه , او فقط مرا نگاه می کرد. قرص می داد و بعد ویزیتش را می گرفت.»

ساکت شدند . درسالن جز صدای آمد ورفت عجولانه ی مرد عینکی و گاهی صدای آه وناله

ی زن چیزی شنیده نمی شد. آن که از کرج آمده بود, روبه مرد چشم ریز کرد و گفت:

« پرونده ام را داده اند به دادگاه. دادگاه هم حکم صادر کرده.»

« چه حکمی؟»

« حکم طلاق زن ام.»

« آها! »

« توی حکم نوشته به علت مجنون بودن.»

مرد برگشت اورا نگاه کردو پرسید: « برای تو نوشته؟»

« آری برای من نوشته مجنون. می دانی مجنون یعنی چه؟»

« خب, آری . می دانم .»

« البته نوشته مجنون. نوشته دیوانه. مجنون یعنی کسی که کمی دیوانه است ولی با دوا و

درمان خوب نمی شود.»

« زنت ,طلاق گرفته؟»

« نه , نگرفته . حکم صادرشده , اما او هنوز طلاق نگرفته.»

دوباره ساکت شدند, به زمین نگاه کردند.مرد کرجی گفت:

« زن ام گفته اگر سیف الله خوب بشود, بازهم با او زندگی می کنم.»

مرد عینکی که حالا داشت دور خودش می چرخید, به حرف های آن دو علاقه مند شدو آمد

ایستاد روبه روشن . پک محکمی به سیگارش زد واز سیف الله پرسید: « چند سال است

ازدواج کرده ای؟»

« دوسال.»

« بچه هم داری؟»

« بله . یک دختر یک ساله.»

« چه ناراحتی ای داری؟»

« دلهره دارم. می ترسم دیواری روی سرم خراب بشود و آن زیرها گم بشوم وکسی بیرونم

نیاورد.از تاریکی می ترسم.»

« چه کاره ای؟»

« بی کار.»

« قبلاً چه کاره بودی؟»

« کارگر ساختمان بودم . توی همین تهران. داشتیم برای ساختن یک برج, خاک برداری می

کردیم که ماندیم زیر آوار . دونفر درست توی بغل من مردند. من زنده ماندم. نمردم.»

« از کی ناراحتی ات شروع شد؟»

« از پارسال, از بیمارستان که درآمدم , دیگر به سر کار راهم ندادند. گفتند شرکت ور

شکست شده.»

« پس این طور!»

« بله . این طور بی کار شدم . رفتم توی فکر و خیالات . آن دو نفری که زیر آوار توی بغلم بودند ، بدجوری خرخر می کردند. بدجوری مردند. من نمردم . تو مرا می بینی که زنده هستم؟»

« بله . می بینم .»

مرد ، دود غلیظی از بینی بیرون داد و تند رفت که قدم بزند. مرد چشم ریزه گفت:

« من تا به حال دوبار در بیمارستان خوابیده ام .»

سیف الله پرسید : « مرا هم می خوابانند توی بیمارستان یانه ؟»

« اگر لازم باشد، می خوابانند.»

« چه باید بکنم که بخوابانند؟»

« هیچی ، دکتر وقتی معاینه ات کردونسخه نوشت، اگر لازم باشد ، دستور می دهد تو را

بخوابانند. خودش به بیمارستان نامه می نویسد که این مریض را باید بخوابانید.»

« خیلی خوشحالم که توی پرونده ام نوشته اند مجنون. ننوشته اند دیوانه.»

« واقعاً خیلی شانس آورده ای. نگران نباش خوب می شوی.»

« یعنی دیگر دیوانه نمی شوم؟»

« نه . چرا بشوی !؟»

« تو، توی بیمارستان که خوابیدی بهتر شدی؟»

« خیلی فرق نکردم. آن جا هی قرص می دهند. قرص را که توی خانه هم می توانی بخوری.

اما الحق که شوک مغزی اش معرکه است. خیلی عالی است. حسابی حسابی. آن هم شوک

دولتی. غیر دولتی اش توی بازار سیاه ، هم گران است هم بی خاصیت . اما شوک دولتی هم

قوی است یعنی هم ولتش بالاست و هم ارزان تمام می شود. شوک دولتی که می دهند

راستی راستی کیف دارد. می افتی توی عالم هپروت و راحت می شوی.»

« درد هم دارد؟ »

« نه بابا دردش کجا بود. با آمپول بی هوش می کنند. بعد شوک می دهند. شوک مغزی دولتی اش حرف ندارد. جان شما را قسم نمی خورم، به جان بچه ام دروغ نمی گویم. ارزان، قوی و راحت. به دکتر بگو که دولتی برایت بنویسد. شوک بازار سیاه، هم کم مایه است و هم گران.»

« چند ولت است مال بازار سیاه؟ »

« خیلی ضعیف است. به ولت نمی رسد. کم قدرت! »

سیف الله سرش را خاراند و گفت: « حکم صادر شده اما طلاق نگرفته. محترم گفته که اگر سیف الله خوب بشود، دوباره با او زندگی می کنم. از وقتی بی کار شدم، ترس و دلهره به سراغم آمد. از تاریکی می ترسم. می ترسم زیر آوار گم بشوم و کسی مرا پیدا نکند. می ترسم توی خیابان گم بشوم و راه خانه را پیدا نکنم. زن و بچه ام را پیدا نکنم. روزها می گردم توی خیابان ها و تاشب نشده خودم را می رسانم به

کرج. یک روز هم مهندس را دیدم. توی همین خیابان پشت مطب. آن پایین دارد یک برج تازه می سازد. خدا طبقه ساختمان دارد. گفتم آقای مهندس من بی کارم. مرا نشناخت. گفتم من همانم که زنده ماندم، که زیر آوار ماندم و دوتا دنده ام شکست. حالا خوب شده ام. زنده هستم.

مهندس با تعجب نگاهم کرد. مثل نگاهی که به مرده می کنند. سری تکان داد و گفت: « آها، تو همان یارو هستی که برای پول گرفتن برای ناهار، کارگرها را دور خودت جمع کردی و می خواستی اعتصاب راه بیندازی؟ » گفتم: « جناب مهندس من شنیده ام که شما هم یک زمانی توی دانشکده اعتصاب می کرده ای و زندان هم رفته ای. حالا مرا که دو دنده ام شکسته و زنده مانده ام از کار بیرون می کنی و می گویی شرکت ورشکست شده؟ »

چشم ریزه گفت: « اگر به تو شوک دولتی بدهند، حسابی روبه راه می شود.»

سیف الله گفت: « مهندس اصلاً جوابم نداد. من خودم می دانم که مجنون یعنی نیمه دیوانه
، یعنی کم آزار

خدا را شکر که توی پرونده ام نوشته اند مجنون. ننوشته اند دیوانه. حکم طلاق صادر شده ؛
اما محترم طلاق نگرفته. یعنی تو می گویی از من جدا نمی شود؟ شیرین را از من نمی گیرد؟»
« شیرین؟! »

« بله ، شیرین دخترم. یک ساله است. قشنگ است . موهایش طلایی است. راستی تو خودت
نگفتی چه دردی داری؟ »

چشم ریزه زورکی سرفه زدو گفت : « همین طور سرکلاس نشسته بودم که عرق سردی روی
تنم نشست وبی حال شدم . چند ماه همین وضع را داشتم اما بادردم می ساختم و به کسی
نمی گفتم . می ترسیدم از مدرسه بیرونم بکنند. تا این که یک روز ، سرکلاس غش کردم.
یک ماه توی بیمارستان خوابیدم.»

ناگهان مرد عینکی دورخودش چرخید و روبه روی آن دو ایستاد و گفت:

« من هم مثل تو.»

چشم ریزه پرسید : « چه کاره ای؟ »

« مثل تو معلم بودم.»

زن تقلا کرد . نیم خیز شد و داد زد:

« چه قدر حرف می زنی شماها! به خدا دیشب تا صبح توی اتوبوس بی خوابی کشیده ام . اه
! بالاخره هر کسی دردی دارد که می آید و می نشیند این جا. از سیر تا پیازش را گفتید ،
بس است دیگر .»

ساکت شدند و به در مطب که هنوز بسته بود چشم دوختند.

« من از که سخن میگویم »

دیدن دستانی

مرا به اندیشه واداشت

دستانی که در آمیخته بودند

مقابل دیدگانم

دستانی به مانند پتک

با انگستانی بمانند

تیکه پاره ای میله ایی آهنی

چنان ظریف

گلانی به روی قالی می نشاند

که گویا انسانی از بدو وجود خود

گلانی سرخ بر این پهندهشت بیکران ،

می پروراند

با خود اندیشیدم

آخر چگونه ، گلانی به این ظریفی را

دستانی پینه بسته

بمانند دست مردان

که سالهای دراز

در سیاهچالهای معادن

در کوهها و دشت ها و مزارع

شبها و روزها

پتک زده ، می نشاند

من از که سخن می گویم

از دخترکی

که در چشمانش

امیدی از فردا موج میزد

و لبانش

سکوتی ، رسانند از فریاد بود

انگشتان دستانش

هر کدام

بمانند قلمی در دست

استاد نقاشی بود

که طرح زندگی می ریخت

شاید

مردی از تبار مردان

در رویا هایش می پروراند

آرزوی گرفتن دستان دخترک را

در دستانش

شاید رفیقی

دست در دست این دختر

روزی در سنگر کار ، خواهد جنگید

نسترن آقایی

پیش بسوی ایجاد تشکلهای آزاد

سراسری کارگری

اعتراض کارگری خبرنامه کمیته پیگیری ایجادتشکلهای آزاد کارگری به صورت مستمر

منتشر می شود.

در تکثیر و توزیع آن مارا یاری دهید.

« پاسخگو چه کسی است »

بعد از اعتراضات صنفی کارگران شرکت واحد در مورخه ۸۴/۱۰/۴ که با وساطت نمایندگان کارگران که به قول آقای قالیباف ساعت ۲۳ در حضور کارگران به آنها داده شده بود.

این اعتصاب کارگران پایان رسید. بعد قرار به این شد که مورخه ۸۴/۱۰/۱۰ جلسه ای با کارگران معترض داشته باشد و به مشکلات آنها رسیدگی کند. در روز مقرر از طرف مدیران و شورایی ها تعدادی بطور مشخص به دیدار آقای قالیباف رفتند. جالب آنکه بیشتر کارگرانی که در آنجا حضور داشتند از کارگران شاغل در روز اعتصاب بودند. و با آنکه به اطلاع شهردار رسید، که حاضرین در جلسه چه کسانی بودند، بعد از دو روز نمایندگان واقعی کارگران را به حضور پذیرفت که در آن جلسه بعد از گفتگو و مطرح کردن مشکلات کارگران، عنوان نمودند، که در ملاقاتی که با کارگران داشتند ۳۲ مورد را یادداشت کرده اند به آنها رسیدگی خواهد کرد. مدیریت شرکت واحد بدلیل ضعف اقتصادی که گلوی کارگر را می فشارد سو استفاده کرده و برای جدا سازی کارگر از سندیکا شروع به پرداخت بن کالا نمود اما این عمل در پیگیری کارگران نسبت به مبارزاتشان هیچ تاثیری نداشت چون کارگران شرکت واحد آگاهانه تصمیم گرفته و نظر می دهند و کورکورانه اقدام نمی کنند.

آگاهی و پیکار اجتماعی طبقه کارگر در صحنه فعالیت صنفی و دادخواهی در واقع مکمل یکدیگرند. بدون آگاهی هیچ اقدامی ثمر نخواهد داشت. این بی توجهی یا برنامه ریزی که از قبل طراحی شده بود، را می توان گفت که هدف خفه کردن پرونده حمله به سندیکا در مورخ ۸۴/۲/۱۹ وضعیت شوراها و شرکت واحد را به خطر انداخته بود به وجود آوردن اعتراضات دیگر، کارگان بشوند تا در این حرکت بتوانند، هم کارگر را سرکوب کنند و هم جنبش نوپای سندیکایی که بعد از ۲۸ سال شکل گرفته بود کارگر می توانست برای رفع

مشکل خود تصمیم بگیرد را خفه کنند. خواسته های کارگران بر سر جای خود مانده بود. آری هنوز منصور اسالو در بازداشت به سر می برد. کارگران قراردادی، که باید رسمی می شدند هیچ دستوری در بابت آنها صادر نشده بود و انعقاد پیمان ششم که آن ۳۲ مورد در آن شاید کمتر یا بیشتر عنوان شده بود. به تائید نرسیده بود. ضمضمه اعتصاب سراسری شرکت واحد شنیده می شد، که این حرکت به درخواست کارگران و تصمیمات جمعی به تصویب رسید و اعتصاب در مورخ ۸۴/۱۱/۸ اعلام گردید. اعضای هیئت مدیره بر خلاف آئین نامه دادرسی بصورت تلفنی به دادگاه انقلاب احضار شدند. آقایان ابراهیم مددی - علی زاد حسین - عبدالرضا طرازی - سعید ترابیان - سید منصور حیات غیبی - سید داوود رضوی، بعد از یک جلسه بازجویی ۱۰ ساعته روانه زندان اوین شدند.

در اعتراضات کارگران فرانسه که روزها ادامه داشت بدون درگیری و بازداشت به پایان رسید و با حمایت دانشجویان و مردم و لایحه پیشنهادی پس گرفته شد، و به تائید نرسید. اما تبعیض و بی عدالتی که در حق کارگران (ایران) سالها مسئولان به پیشواز و از رفته و از دو روز قبل به بازداشت و سرکوب کارگران پرداختند. از محل کار گرفته تا خانه کارگران حتی زن و فرزندان نمایندگان کارگران را بازداشت، و به زندان انداختند. کسانی که در بند بودند اتهامی که دال بر ایجاد یا فعالیت سندیکایی بود به نمایندگان کارگران از سوی مقامات قضایی اعلام نشد. اما برای توجیح عمل غیر قانونی خود اتهاماتی واهی که ریشه و اساس نداشت بر آنان زده شد، از جمله تبلیغ بر علیه نظام - ارتباط با بیگانگان - اختشاش در نظم عمومی و ... قصد آن داشتند، که مسائل صنفی ما را برچسب امنیتی بزنند. گارگران بازداشتی بعد از مدت بازداشت که از ۱۰ روز تا ۷۵ روز طول کشید و بعد از آزادی آنها از اشتغال آنها جلوگیری بعمل آمد.

بعد از تنظیم شکایت به اداره کار شرق تهران مراجعه و خواستار رسیدگی به شکایات خود شدند اما بر خلاف قانون و سیکل اداری، اداره کار از ثبت و ارائه شماره پرونده به کارگران خودداری نمود. و پرونده شکایات کارگران را گروهی جمع آوری کرده و هیچ اقدامی به شکایتهای آنها نشد و جواب گوی آنها را امروز و فردا کردند و جواب قاطعی به آنها نمی دهند. آری مدت نه ماه است که تعداد ۵۰ نفر کارگر شرکت واحد هیچ گونه حقوق و دستمزدی دریافت نکرده اند بیمه های درمانی ما فاقد اعتبار است. وضعیت بدی خانوادههای آنها را تحدید می کند. اگر مسئولانی که خود را متعهد می دانند به وظایف قانونی و اخلاقی خود عمل کنند، تا زمان رای قطعی، کارگران می توانند از حق بیمه و ۵۰٪ از حقوقشان بهره مند باشند. اما متأسفانه این عمل غیر قانونی آنها فقط قصد ضربه زدن به کارگران را دارد. مسئولان اداره کار استان تهران عملاً به جای رسیدگی به شکایات و مشکلات کارگران، ابزاری شده اند برای کارفرما که کارگران را بکوبد. جواب گوی سفره خالی کارگران چه کسی است. کارگری که اعتراض نسبت به مسائل صنفی داشته باشد سرکوب می شود. و به آنها برچسب میزنند کسانی که با جامعه کارگری تجارت می کنند، جای آنها در بین کارگران غیر قانونی است. برای کارگران تصمیم نابخردانه و ناگهانه می گیرد، را چه کسی جوابگوست؟ جای بسی تأسف است. چرا برای هر مسئله ای می بایست هزینه های هنگفتی پرداخت؟

جای بسی امید واریست که کارگران با وجود فشارهای زیاد خانواده هایشان با آنان همراهند. این استقامت و استواری خانواده ها جای ستایش دارد.

در خاتمه به اطلاع دوستان و همکاران و همراهان می رساند. شماره حساب ۷۳۲۲۸۰ کد شعبه ۱۳۴ بانک ملی بنامهای مددی - غلامی - رضوی آماده دریافت کمک های شما یاران حق طلب می باشد. کمک به سندیکا، حمایت از کارگران و یک حرکت انسان دوستانه است و

ما را جهت ادامه راه و کمک می کند . به امید آینده ای بهتر . سندیکا کانون دفاع از حقوق کارگر است.

سندیکا حق مسلم کارگراست

پیش بسوی ایجاد سندیکا در کل صنوف ایران و بهبود وضعیت کارگران .

حیات غیبی / مهرماه ۸۵

با آنکه صبوی می ما بشکستند

با آنکه گرفتن زلبم توبه و پیمانہ زدستم

بر محتسب شهر بگوئید هشدار هشدار

که من مست می هر شبه هستم

اعتراض کارگری خبرنامه کمیته پیگیری ایجادتشکلهای آزاد کارگری به صورت مستمر

منتشر می شود.

در تکثیر و توزیع آن مارا یاری دهید.

۱۴۸۷ - ۱۳۴۴۵

www.komiteyepygiry.com

azaditashakol@yahoo.com

صندوق پستی :

آدرس سایت اینترنتی :

آدرس پست الکترونیکی :

قطع نامه همایش کودکان کار و خیابان

بمناسبت جشن روز جهانی کودک

ما می‌اندیشیم و اعتقاد داریم، می‌شود همین امروز و با امکانات موجود پدیده کودکان کار و خیابان را مرتفع کرد خواسته‌های ذیل حاصل تجارب عملی فعالین در عرصه حمایت از کودکان کار و خیابان و الزامات زندگی این کودکان بوده و سعی شده از نگاه آنها به موضوع پرداخته شود.

-تقدم حقوق کودک بر هرگونه مصلحت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی.

-نگاه احترام آمیز جامعه به کودکان کار و خیابان به عنوان انسانی که حقوقش مورد تعرض قرار گرفته؛ می‌باید اساس تعاریف دولت و جامعه قرار بگیرد و تمامی نگرش‌ها و تعاریفی که به هر طریقی آنان را عوامل قاچاقچیان، فروشندگان مواد مخدر و باندهای فحشا و ولگرد معرفی می‌نماید باید تغییر کند.

-دوران کودکی مهمترین زمان برای شکل‌گیری و تکوین شخصیت کودک می‌باشد. از این منظر کودکان کار و خیابان مورد تهدید می‌باشند. لذا مسئولین موظفند بدون فوت وقت حمایت‌های مقتضی را در دستور کار خود قرار دهند تا کودکی آنها سوخته نشود.

-آموزش اجباری و رایگان، حق همه کودکان است. تأمین امکانات آن می‌بایست توسط دولت فراهم گردد.

-تأمین اجتماعی کودک و پرداخت بیمه بیکاری بدون قید و شرط به خانواده او یک شرط عملی مهم برای لغو کار کودکان است.

-از آنجا که آسیبهای جسمی و روحی ناشی از کار تا آخر عمر کودک ماندگار است و در حقیقت کار فرصت کودکی را از آنان سلب می‌کند؛ ما خواستار حذف همه اشکال کار کودکان هستیم.

-ممنوعیت و اعلام جرم علیه تمامی اشکال شکنجه و آزار کودکان، به هر شکل و بهانه (تنبیه، تربیت، سوء استفاده‌های مختلف و ...)؛ توسط هر شخص و ارائه راهکارهای حقوقی و اجتماعی جهت مقابله با آن.

-به منظور ایجاد مصونیت برای کودکان؛ ما خواستار در نظر گرفتن بیمه و تأمین اجتماعی فراگیر هستیم.

-با وجود فراوانی کودکان کار و خیابان و محدود بودن مکانهای دولتی که مورد اعتماد کودکان باشند. لذا ما خواهان ایجاد تسهیلات قانونی و مالی از طرف مسئولین برای تأسیس مکانهای ثابت و قابل دسترس برای کودکان از طرف NGO ها می‌باشیم.

-کودکان مهاجر بویژه مهاجرین جنگی جدا از ملیت، نژاد، مذهب و ... بخصوص کودکان افغانی و عراقی در ایران، بایستی از تمامی امکانات رایج در کشور بدون هیچ قید و شرطی برخوردار گردند.

-از آنجائی که دولت جمهوری اسلامی ایران از امضاء کنندگان پیمان نامه جهانی حقوق کودک است، از اینرو تبلیغ، ترویج و آموزش این حقوق از وظایف و تعهدات دولت و

- لغو وجوه ورودی بیمارستانهای و مراکز بهداشت و درمان و همچنین هزینه و شهریه تحصیلی و دیگر امکانات و سرویس های عمومی برای کودکان.

- حمایت قانونی از سرپرستی توسط مادر و یا پدر بطور یکسان به هنگام جدائی.

- بیجه و خفاش شب محصول بی توجهی جامعه به نیازهای انسانی آنهاست. جامعه و مسئولین آن باید با توجه به این نیازها از کشیده شدن به این ورطه؛ "همین امروز" جلوگیری کند.

- ما خواستار اجرای فوری و دقیق مفاد پیمان نامه جهانی حقوق کودک و دیگر مصوبات بین المللی برای حمایت از حقوق کودکان بویژه کودکان کار و خیابان هستیم.

دستان همه شما NGO ها و تک تک انسانهایی که در اقشار و طبقات مختلف با انواع تشکلهای که از تبعیضات در رنجاند را می فشاریم و همیاری تان را برای احقاق این حقوق خواستاریم.

۱۴ مهر ماه ۸۵

جمعیت دفاع از جهانی شایسته کودکان

صندوق پستی ۳۷۱-۱۸۷۳۵

تلفن: ۳۳۳۹۰۳۹۱

بیانیه روز جهانی کودک

من کودکم، کودک کار، کودک زاده شده در خانواده کارگری و خود کارگرم. کودک خیابانم، بافته شده از رنج و محرومیت. پا به این جهان گذاشتم و این دست من نبود و از هنگامی که توانستم خود را و دنیایی را که شما بزرگسالان ساخته‌اید، بشناسم، فهمیدم همان قدر که پدرم پول دارد می‌توانم از شادی و امکانات زندگی برخوردار باشم و کیف پول پدر تهی است، پس زندگیم تهی است، اگر پدر پول داشته باشد می‌توانم به مدرسه بروم. وقت بیماری به اندازه پول او می‌توانم درمان شوم و اگر نداشته باشد حتی از بیماریهای قابل علاج می‌میرم. به اندازه پول او می‌توانم بپوشم، تغذیه شوم و بازی کنم پس به جبران تهیدستی خانواده به بازار کار کشیده شدم. تا در کارگاه و خیابان‌ها حق حیاتم را بجویم. اما زندگیم تاوان زنده ماندن خود و خانواده‌ام می‌شود. من در میان رنج و تحقیر و تبعیض دنیای بزرگسالان بزرگ می‌شوم. و بی‌آنکه جرمی مرتکب شده باشم هر روز مکافات می‌کشم. می‌بینم چطور بعضی از بچه‌ها با لباسهای قشنگ و چهره‌های شاداب از تغذیه‌های مناسب به مدرسه‌های خوب می‌روند چرا که پدر آنها پول دارد. در جنگ‌های شما بزرگسالان که نمی‌دانم چه ربطی به من دارد کشته می‌شوم گاه حتی قبل از به دنیا آمدن در شکم مادرم اثرات بمبهای شیمیایی تان هستی مرا می‌سوزاند و یا هنگام بازی پایم روی مین می‌رود و قبل از اینکه کنجکاویم در مورد آن برطرف شود برای همیشه خاموش و یا ناقص می‌شوم یا پدر و مادرم را در این جنگها از دست می‌دهم و این دیگر به معنی بدبختی و تنهایی غیر قابل تصویری است که زندگی ما را تباه می‌کند وقتی هم که پدر به دنبال جان پناهی ما را به کشوری دیگر می‌برد آدم‌هایی غیر قانونی تلقی می‌شویم و هر آن خطر دستگیری و اخراج تهدیدمان می‌کند.

در این شرایط مدرسه رفتن آرزویی دست نیافتنی می‌نماید خیلی از ماها به دلیل نداشتن بهداشت و نژدن واکسن‌های لازم فلج می‌شویم و این دیگر اوج بدبختی ماست به همراه همه اینها در زندگی کودک انگاشته ن می‌شویم، کتک می‌خوریم، تحت فشار قرار می‌گیریم، تحقیر می‌شویم حتی پدر و مادرمان نیز نیازها و حقوقمان را نمی‌فهمند مورد آزار قرار می‌گیریم و روحمان سرکوب می‌شود و شادی از زندگیمان می‌گریزد آری این سرگذشت ما کودکان کار و خیابان در دنیای شما بزرگترهاست دنیایی که ما در ساختن آن هیچ نقشی نداشته‌ایم. ولی ما آرزو داریم و از شما می‌خواهیم دیگر چنین نباشد. ما می‌خواهیم که کودک از هر نژاد و مذهب و ملیت غیر قانونی نباشد و حق زندگی کردن داشته باشد ما می‌خواهیم همه‌ی ما کودکان بدون توجه به اینکه پدرمان پول دار است یا بیکار یا مهاجر از حق تحصیل یا تغذیه، بهداشت و بازی و شادی محروم نشویم. ما می‌خواهیم مورد حمایت قانون و جامعه قرار داشته باشیم و دیگر تحقیر نشویم. زور نشنویم. آزار نینیم و مورد احترام باشیم. ما می‌خواهیم هیچ کودکی بخاطر نیاز مجبور به کارکردن نشود و بتواند به بازی و شادی و تحصیل پردازد. روز جهانی کودک بر همه شما مبارک باد.

۱۴ مهر ماه ۱۵

جمعیت دفاع از جهانی شایسته کودکان

صندوق پستی ۳۷۱-۱۸۷۳۵

تلفن: ۳۳۳۹۰۳۹۱

۱۳۴۴۵ - ۱۴۸۷

www.komiteyepygiry.com

azaditashakol@yahoo.com

صندوق پستی :

آدرس سایت اینترنتی :

آدرس پست الکترونیکی :

دنیای وارونه و قطعنامه روز جهانی کودک (۸ اکتبر)

۱۶ مهر روز جهانی کودک را در حالی برگزار می‌کنیم که فریاد دادخواهی حداقل ۲۶۰ میلیون کودک کار از سراسر جهان؛ علیه بی‌حقوقی و استثمار بگوش می‌رسد. در جهانی که مرز، آب، خاک و گاه ملیت و نژاد و مذهب، دست‌آویز جنگ‌ها و نسل‌کشی‌های میلیونی است واز این میان؛ بی‌خانمانی، گرسنگی، بیماری و مرگ نصیب میلیونها انسان بی‌دفاع و بویژه کودکان می‌شود و از دیگر سو، سودهای کلان چند میلیارد دلاری نصیب دولتها و صاحبان شرکتهای چند ملیتی تولید سلاح‌های کشتار جمعی و مرگبار؛ و این‌همه با نام دفاع از دموکراسی، تمدن و یا موازین ملّی، مذهبی، نژادی و... صورت می‌گیرد. **این دنیا وارونه است؛** زیرا با وجود گرسنگی و نیاز بیش از هشتاد و پنج درصد مردم؛ عمده‌ی کارخانجات در کشورهای سوپر صنعتی، با کمتر از سی درصد ظرفیت خود تولید می‌کنند و با بحران مازاد تولید روبرو هستند و از سوی دیگر میلیاردها انسان توان خرید آنها را ندارند.

این دنیا وارونه است؛ زیرا این دنیای ۷ میلیارد نفری، پر از کالا و ثروتی است که حاصل کار و تلاش تقریباً "نود و پنج درصد از انسانهاست. اما تنها کمتر از پنج درصد این جمعیت، مالک بیش از نود درصد این ثروت‌اند که نقش مؤثر و جدّی در تولید آن ندارند. با وجود رشد و پیشرفت علوم و تکنولوژی، بویژه در زمینه‌های پزشکی و بیوتکنولوژی، کماکان بسیاری از کودکان جهان از کمبود ویتامین‌ها و داروهای ابتدائی دچار بیماری‌های لاعلاج و سرانجام مرگ می‌شوند.

فاجعه همچنان ادامه دارد...

- تعداد کودکان جهان که در فقر بسر می‌برند: یک میلیارد نفر (یعنی ۱ نفر از هر ۲ کودک)
- تعداد کودکان جهان که بدون مسکن مناسب هستند: شش صد و چهل میلیون نفر (یعنی ۱ نفر از هر ۳ کودک)
- تعداد کودکان جهان که از خدمات بهداشتی محرومند: دویست و هفتاد میلیون نفر (یعنی ۱ نفر از هر ۷ کودک)
- تعداد کودکان جهان که بدلیل عدم دسترسی به آب سالم می‌میرند: یک میلیون و چهارصد هزار نفر (یعنی ۱ نفر از هر تقریباً ۱۰۰۰ کودک)
- در نتیجه تقریباً " در هر ثانیه یک کودک در جهان می‌میرد. در حالی که همه موارد فوق، با هزینه‌ای بسیار اندک قابل پیش‌گیری است. به این فجایع باید پایان داد.

"این دنیای وارونه را باید تغییر داد."

این حکم بشر آزادیخواه، انساندوست و سازش ناپذیر است که در همه عرصه‌ها؛ علیه مصائب روبه ازدیاد، علیه استثمار، بردگی، تبعیض، جنگ، سلطه بی حقوقی و ... پا به میدان گذاشته و با وجود ضربه‌هایی که متحمل می‌گردد، در ایجاد تشکل و صفوف اعتراضی، مصرانه بر خواسته‌هایش پای می‌فشارد.

ما اعتقاد داریم، با وجود رشد و پیشرفت نجومی علوم، تکنولوژی و صنایع، نه تنها همین امروز و با همین امکانات می‌توان و می‌بایست کار کودکان را محو کرد؛ بلکه می‌توان به درد و رنج تمامی بشریت پایان داد.

× × ×

۱۴۸۷ - ۱۳۴۴۵

صندوق پستی :

www.komiteyepygiry.com

آدرس سایت اینترنتی :

azaditashakol@yahoo.com

آدرس پست الکترونیکی :

”جمعیت دفاع“، بنابر تجربیات حاصل از ارتباط با کودکان کار و شناخت آسیب‌های ناشی از کار بر آنان و همچنین نبود قوانین اجرائی با پشتوانه و روشن حمایتی کودک مدار، بندهای زیر را به عنوان خواسته‌های حداقل خویش اعلام و از تمامی دوستداران و مدافعین کودکان و بویژه کودکان کار و خیابان دعوت می‌نماید، به هر طریق ممکن ما را در این مهم یاری نمایند:

۱- تقدم حقوق کودک بر هرگونه مصلحت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی.

۲- نگاه احترام آمیز جامعه به کودکان کار و خیابان به عنوان انسانی که حقوقش مورد تعرض قرار گرفته؛ می‌باید اساس تعاریف دولت و جامعه قرار بگیرد و تمامی نگرش‌ها و تعاریفی که به هر طریقی آنان را عوامل قاچاقچیان، فروشندگان مواد مخدر و باندهای فحشا و ولگرد معرفی می‌نماید باید تغییر کند.

۳- دوران کودکی مهمترین زمان برای شکل گیری و تکوین شخصیت کودک می‌باشد. از این منظر کودکان کار و خیابان مورد تهدید می‌باشند. لذا مسئولین موظفند بدون فوت وقت حمایت‌های مقتضی را در دستور کار خود قراردهند تا کودکی آنها سوخته نشود.

۴- آموزش اجباری و رایگان، حق همهء کودکان است. تأمین امکانات آن می‌بایست توسط دولت فراهم گردد.

۵- در سال گذشته ده‌ها مدرسه خودجوش، ویژه بچه‌های کار، مهاجر و بدون شناسنامه، توسط سازمان‌ها و نهادهای دولتی، بدون هیچ دلیلی به تعطیلی کشانده و هزاران کودک که با توان مالی خودشان تحصیل می‌کردند را از این حق محروم نمودند.

لذا ما خواستار دادن مجوز و باز گشائی این مدارس و در اختیار گذاشتن تسهیلات لازمه بدون فوت وقت از دولت می‌باشیم.

۶- تأمین اجتماعی کودک و پرداخت بیمه بیکاری بدون قید و شرط به خانواده او یک شرط عملی مهم برای لغو کار کودکان است.

۷- در سال‌های تحصیلی گذشته (بر طبق اظهارات مسئولین وزارت آموزش و پرورش در دوره ریاست جمهوری آقای خاتمی) هر ساله بیش از سه میلیون کودک به دلایل مختلف از تحصیل باز مانده و محروم میشوند، که این یکی از عوامل گسیل به بازار کار و آسیب پذیری آنان می‌شود.

۸- از آنجا که آسیبهای جسمی و روحی ناشی از کار تا آخر عمر کودک ماندگار است و در حقیقت کار فرصت کودکی را از آنان سلب می‌کند؛ ما خواستار حذف همه اشکال کار کودکان هستیم.

۹- ممنوعیت و اعلام جرم علیه تمامی اشکال شکنجه و آزار کودکان، به هر شکل و بهانه (تنبیه، تربیت، سوءاستفاده‌های مختلف و...)؛ توسط هر شخص و ارائه راهکارهای حقوقی و اجتماعی جهت مقابله با آن.

۱۰- جمع آوری گروهی کودکان کار در خیابان نه تنها مشکلی از آنان حل نمی‌کند، بلکه خود آسیب‌های جدی‌تری را به آنان وارد می‌کند. لذا ما خواستار توقف فوری این شیوه‌ها هستیم.

۱۱- به منظور ایجاد مصونیت برای کودکان؛ ما خواستار در نظر گرفتن بیمه و تأمین اجتماعی فراگیر هستیم.

۱۲- با وجود فراوانی کودکان کار و خیابان و معدود بودن مکانهای دولتی که مورد اعتماد کودکان باشند. لذا ما خواهان ایجاد تسهیلات قانونی و مالی از طرف مسئولین برای تأسیس مکان‌های ثابت و قابل دسترس برای کودکان از طرف

NGO ها می‌باشیم. ما خواهان پی‌گیری مسئولین و بازگرداندن آنها به چرخه‌ی تحصیل می‌باشیم.

۱۳- کودکان مهاجر بویژه مهاجرین جنگی جدا از ملیت، نژاد، مذهب و ... بخصوص کودکان افغانی و عراقی در ایران، بایستی از تمامی امکانات رایج در کشور بدون هیچ قید و شرطی برخوردار گردند.

۱۴- از آنجائی که دولت جمهوری اسلامی ایران از امضاءکنندگان پیمان نامه جهانی حقوق کودک است، از اینرو تبلیغ، ترویج و آموزش این حقوق از وظایف و تعهدات دولت و دستگاههای ذیربط و رسانه‌های گروهی(رادیو، تلویزیون و مطبوعات) و آموزش و پرورش می‌باشد. ما خواهان اجرای فوری این اقدامات هستیم.

۱۵- لغو وجوه ورودی بیمارستانها و مراکز بهداشت و درمان و همچنین هزینه و شهریه تحصیلی و دیگر امکانات و سرویس‌های عمومی برای کودکان.

۱۶- حمایت قانونی از سرپرستی توسط مادر و یا پدر بطور یکسان به هنگام جدائی.

۱۷- بیجه و خفاش شب محصول بی توجهی جامعه به نیازهای انسانی آنهاست. جامعه و مسئولین آن باید با توجه باین نیازها از کشیده شدن به این ورطه؛ "همین امروز" جلوگیری کند.

۱۸- ما خواستار اجرای فوری و دقیق مفاد پیمان نامه جهانی حقوق کودک و دیگر مصوبات بین‌المللی برای حمایت از حقوق کودکان بویژه کودکان کار و خیابان هستیم.

دستان همه شما NGOها و تک تک انسانهایی که در اقشار و طبقات مختلف با انواع تشکلهای که از تبعیضات در رنجاند را می‌فشاریم و همیاری‌تان را برای احقاق این حقوق خواستاریم.

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان ۱۴ مهرماه ۸۵

× منابع آمار ذکر شده؛ انتشارات یونیسف با عنوان " گزارش وضعیت کودکان جهان " بویژه گزارش سال ۲۰۰۶ می باشد.

Espace Europe/International
Tel : (33-1) 48 18 84 77
Fax : (33-1) 48 18 84 43
europinter@cgt.fr Email :

Montreuil, le 11 octobre 2006

**Monsieur le Ministre
Ministère des affaires étrangères
37, quai d'Orsay**

75700 PARIS

س ژ ت
بخش اروپا / مدیترانه

مونتروی - ۱۱ اکتبر ۲۰۰۶
وزیر امور خارجه
وزارت امور خارجه
پاریس

Monsieur le Ministre,

Permettez-moi, au nom de la CGT, de vous faire part de nos préoccupations concernant la situation des militants syndicaux en Iran plus particulièrement la situation de Monsieur Mansour Ossanlu, Président du Syndicat des Travailleurs de la Régie des Bus de Téhéran.

جناب وزیر

اجازه بدهید، به نام س ژ ت، نگرانی های خود را پیرامون وضعیت فعالان سندیکایی در ایران و بخصوص موقعیت منصور اسانلو، مسول سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، با شما درمیان بگذارم.

Non seulement celui-ci a été emprisonné près de 9 mois pour activités syndicales mais depuis sa libération, il est victime ainsi que sa famille, d'actes répétés de harcèlement.

نه تنها این فرد به مدت ۹ ماه در حبس بسر برده است، بلکه از زمان آزادیش وی و خانواده اش تحت فشارهای مستمر قرار گرفته اند.

Cette campagne d'intimidation qui vise son entourage et ses collègues syndicaux a, entre autres, pour conséquence de détériorer son état de santé déjà préoccupant lors de sa sortie de prison.

این اقدامات تهدید آمیز که او، اطرافیان و نیز همکاران سندیکایی وی را شامل می شود در کنار سایر نتایج سبب وخامت وضعیت سلامتی وی شده که از همان زمان خروج او از زندان نگرانی های را برانگیخته بود.

Aussi, devant ces atteintes répétées aux droits de l'homme, nous vous demandons, Monsieur le Ministre, d'utiliser de votre autorité, lors de vos rencontres avec les autorités iraniennes, pour que celles-ci respectent les conventions de l'OIT concernant les libertés syndicales.

به همین دلیل به خاطر نقض مکرر حقوق بشر ما از شما، جناب وزیر، می خواهیم که به هنگام دیدار با مقامات ایرانی از موقعیت خویش بهره برده و به آنها یاد آور شوید که کنوانسیون های سازمان جهانی کار را که به آزادی های سندیکایی مربوط می شود رعایت کنند.

Nous souhaiterions également que vous fassiez pression pour que cesse cette scandaleuse répression contre les militants syndicaux et que leurs droits à s'organiser librement soient reconnus.

ما همچنین آرزومندیم که شما فشارهای لازم را وارد آورید تا سرکوب مفتضحانه بر علیه فعالان سندیکایی متوقف شود و حق تشکل یابی آزاد آنها به رسمیت شناخته شود.

Dans l'espoir d'un accueil favorable à notre requête,
Nous vous prions d'agréer, Monsieur le Ministre, l'expression
de notre haute considération.

آقای وزیر با آرزوی استقبال مثبت شما از درخواست ما خواهشمندیم مراتب احترامات ما را بپذیرید.

Jean Francois Courbe

Responsable des activités euroméditerranéennes.

جان فرانسوا کوربه

مسول فعالیت های اروپا و مدیترانه

آقای محمود احمدی نژاد

دفتر ریاست جمهوری

جمهوری اسلامی ایران

تهران، خیابان فلسطین، تقاطع آذربایجان

فاکس ۰۰۹۸۲۱۶۴۹۵۸۸۰

تاریخ ۱۶ اکتبر ۲۰۰۶-۱۰-۱۲

آقای رئیس جمهور

آزار و اذیت مداوم در موضوع پرونده سقز

من به نمایندگی از سوی کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری آزاد ICFTU که نماینده بیش از ۱۵۵ میلیون کارگر، در سرتاسر ۲۴۱ کشور و سرزمینی است که بدان وابسته هستند، این اعتراض نامه را علیه دادگاه انقلاب شهر سقز که قرار است در تاریخ ۱۶ و ۱۸ اکتبر برای آقایان محمود صالحی و جلال حسینی که به اتهامات جعلی متهم شده ولی در واقع، در در سازماندهی جشن روز کارگر در اول ماه مه ۲۰۰۴ شرکت داشته اند، می نویسم.

در ماه مارس ۲۰۰۵، محمود صالحی از سوی دادگاه انقلاب سقز به ۵ سال و جلال حسینی به ۳ سال زندان محکوم گردیدند؛ سه نفر دیگر از بازداشت شدگان به دوسال زندان محکوم شده بودند که دو نفرشان آزاد شدند. محکوم شدگان و وکلایشان به رای دادگاه اعتراض

کردند. آن پرونده سپس به بخش هفت دادگاه فرجام استان کردستان فرستاده شد که در مارس ۲۰۰۶ به دادگاه انقلاب سقز ارجاع داده شد. بعد از بازنگری پرونده در آوریل ۲۰۰۶، دادگاه انقلاب سقز، کارگران را باردیگر به خاطر انجام جرم علیه امنیت داخلی کشور به محاکمه کشاند. محمود صالحی و جلال حسینی دوباره باید در برابر دادگاه در تاریخ ۱۶ و ۱۸ اکتبر حضور بیابند.

آقای رئیس جمهور، سازماندهی مراسم جشن روز کارگر تحت هیچ شرایطی نباید به عنوان یک جرمی شناخته شود که چندین سال مجازات حبس را برایش در نظر بگیرند. از آن جا که آنان فقط به حقوق مشروع خود که در سازمان بین المللی کار (ILO) و کنوانسیون ۸۷ و ۹۸ محفوظ است عمل می کردند، از شما درخواست می کنم که از مقام عالی خود استفاده کنید و تضمین کنید تا بلافاصله آزار و اذیت محمود صالحی و جلال حسینی متوقف شود.

امضاء: دبیر کل

ترجمه و تکثیر از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

International Alliance (IASWI),
Box 1164, Station Q, Toronto, Ontario
M4T 2P4 Canada

nfo@workers-iran.org

alliance@workers-iran.org

پیش بسوی ایجاد تشکلهای آزاد سراسری کارگری

۱۳۴۴۵ – ۱۴۸۷

www.komiteyepygiry.com

azaditashakol@yahoo.com

صندوق پستی :

آدرس سایت اینترنتی :

آدرس پست الکترونیکی :